



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



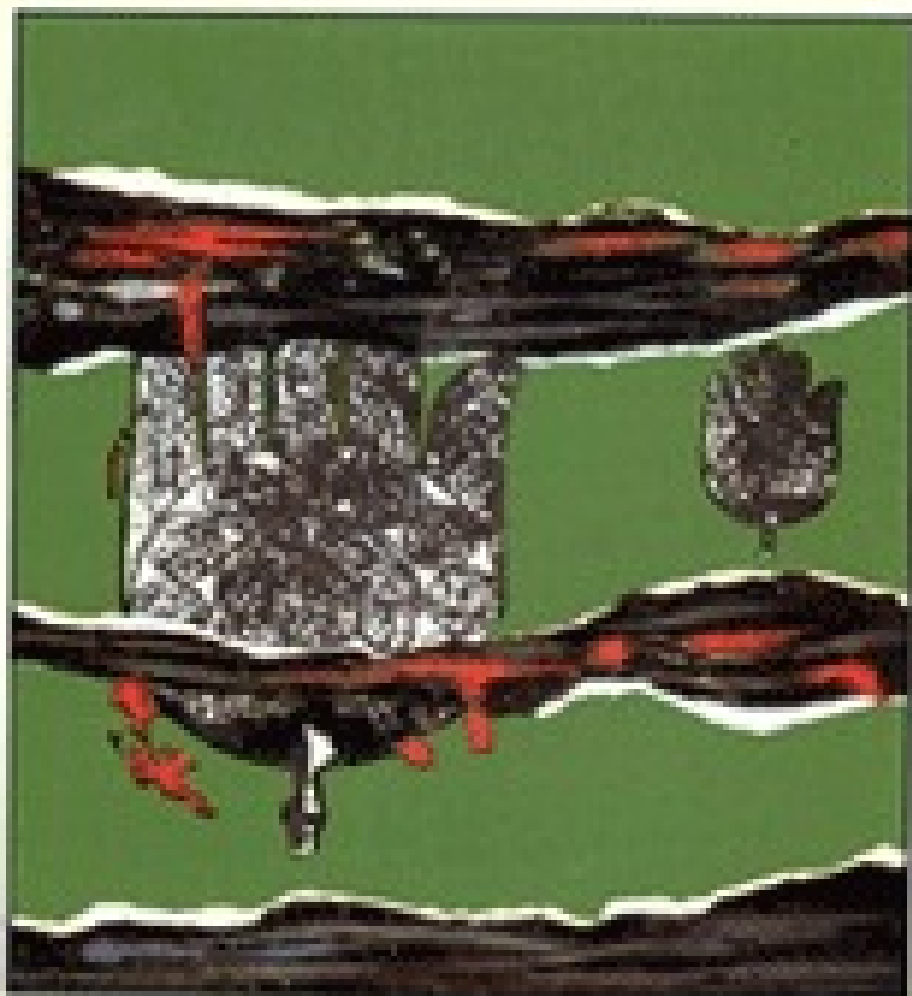
عمران

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

قیام عاشورا

در کلام و پیام

امام خمینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قيام عاشورا در كلام و پيام امام خميني

نويسنده:

موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني رحمه الله عليه

ناشر چاپي:

موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني رحمه الله عليه

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	قیام عاشورا: در کلام و پیام امام خمینی (ره)
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۸	سه سخنرانی در باب محرم و عاشورا
۸	بیانات امام در جمع علمای غرب تهران
۱۲	بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران
۱۸	بیانات امام در جمع گویندگان مذهبی و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی
۲۴	مجموعه موضوعی
۲۴	محرم دیباچه سرخ شهادت
۲۶	علل و عوامل قیام عاشورا
۳۳	اهداف قیام عاشورا
۳۷	انتخاب آگاهانه ی شهدای کربلا
۳۹	نتایج و آثار قیام ابا عبدالله
۴۵	قیام عاشورا اسوه آزادگان
۵۲	فلسفه عزاداری و روضه خوانی
۵۹	اهمیت و نقش عزاداری در احیای اسلام و مکتب سیدالشهداء
۶۸	نقش عزاداری در حفظ ملت و کشور
۷۱	بزرگداشت قیام عاشورا از شعائر الهی است
۷۴	توصیه به خطبا و نوحه سرایان و عزاداران
۷۵	گزیده ای از فرمایشات حضرت امام درباره ی محرم و قیام کربلا
۷۷	پاورقی
۹۸	درباره مرکز

قیام عاشورا: در کلام و پیام امام خمینی (ره)

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: قیام عاشورا: در کلام و پیام امام خمینی (س) / موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

مشخصات نشر: تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، 1385.

مشخصات ظاهری: 117 ص.

فروست: تبیان. آثار موضوعی؛ دفتر سوم.

شابک: 7000 ریال 0-029-335-964-979

یادداشت: کتاب حاضر در سال 1373 تحت عنوان «قیام عاشورا» توسط انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) در 111 صفحه منتشر شده است.

یادداشت: چاپ هفتم.

یادداشت: کتابنامه: ص. [103] - 117؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع: عاشورا

شناسه افزوده: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

رده بندی کنگره: DSR1574/5/ع2 ق9 1385

رده بندی دیویی: 955/0842

شماره کتابشناسی ملی: 2548783

مقدمه

به نام خدا سلام بر پرچمدار مکتب شهادت. سلام بر مظلوم پیروز همیشه تاریخ. سلام بر حسین (ع) و اصحابش. و سلام بر فرزندان راستین عاشورا «خمینی و یارانش». آنچه که در این مجموعه [1]. فراروی پیروان مکتب شهادت گشوده ایم، سخنان بزرگ مردی است که در

اقتدار به سالار شهیدان، خود اسوه ای کامل بود. مردی که در شب سیاه ستم، مشعل فروزان شهادت برگرفت، بیرقهای قیام برافراشت، ننگ سکوت و ذلت از دامن مطهر طلایه داران تشیع سرخ حسینی زدود و دگر باره شعار «احدی الحسینین» و «پیروزی خون بر شمشیر» را در عصر حاکمیت آهن و فولاد، به مستضعفان و پابرهنگان

زمین آموخت و سرانجام نیز به همت دستانی که زنجیرهای عزا را قرن‌ها بر زمین نهاده و عشق عاشورا و یاد حادثه خونین کربلا را نسل اندر نسل با اشک و خون و صداقت در سینه‌ها نگهداشته بودند، حکومت یزیدی زمانه را سرنگون ساخت. یادش همیشه در خاطره‌ها زنده باد که همواره بر این حقیقت گواهی می‌داد که: ما هر چه داریم از محرم و عاشورا داریم. امیدواریم که دلدادگان کوی حسینی و رهروان راه خمینی همچون گذشته افتخار پیشتازی در قیام و اقتدا به سرور آزادگان را به [صفحه 2] خوبی پاس دارند و با حضور مبارک خویش در قلعه‌ی نفوذ ناپذیر «ولایت» در دفاع از انقلاب اسلامی مقاوم و استوار باقی بمانند و امانت گرانبهای الهی، نظام مقدس جمهوری اسلامی را تا ظهور دادگستر جهانی و منتقم موعود (عج) حافظانی امین باشند. انشاءالله تعالی. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) [صفحه 5]

سه سخنرانی در باب محرم و عاشورا

بیانات امام در جمع علمای غرب تهران

بسم الله الرحمن الرحيم 30 / 7 / 58 اسلام را تا حالائی که شما می‌بینید، اینجا ما نشسته ایم، سیدالشهداء زنده نگه داشته است. سیدالشهداء سلام الله علیه تمام این چیز خودشان را، همه جوانان خودش را، همه ی مال و منال، هر چه بود هر چه داشت (مال و منال که نداشت)، هر چه داشت، جوان داشت، اصحاب داشت، در راه خدا داد و برای تقویت اسلام، مخالفت با ظلم، قیام کرد مخالف با امپراطوری آن روز که از امپراطوری‌های اینجا زیادتر بود، قیام کرد در مقابل او با يك عده قلیل و با این عده قلیل در عین حالی که شهید شد غلبه کرد، غلبه کرد بر این

دستگاه ظلم و شکست داد آنها را. [صفحه 6] ما که دنبال او هستیم و مجالس عزا از آن وقت به امر حضرت صادق سلام الله علیه و به سفارش ائمه هدی علیهم السلام، ما پیاپی کنیم این مجالس عزا را ما همان مساله را داریم می‌گوییم، مقابل ظلم است، مقابل ظلم ستمکاران، ما زنده نگه داشتیم، خطبای ما زنده نگه داشتند قضیه کربلا را و زنده نگه داشتند قضیه مقابله یک دسته (یک دسته کوچک اما با ایمان بزرگ) در مقابل یک رژیم طاغوتی بزرگ. گریه کردن بر شهید، نگه داشتن، زنده نگه داشتن نهضت است. اینکه در روایت هست که کسی که گریه بکند یا بگریاند یا به صورت گریه دار خودش را بکند، این جزایش بهشت است، این برای این است که حتی آنی که با صورت گریه دار خودش را چیز می‌کند، صورتش را یک حال حزن به خودش می‌دهد و صورت گریه دار به خودش می‌دهد، این نهضت را دارد حفظ می‌کند، این نهضت امام حسین سلام الله علیه را حفظ می‌کند. ملت ما را این مجالس حفظ کرده. بیخود نبود که رضاخان، مأمورین ساواک رضاخان، تمام مجالس عزا را قدغن کردند، این همین طوری نبود. رضاخان همچو نبود که اصل مخالف با این مسائل بشود. رضاخان مأمور بود، به اینکه آنهایی که کارشناس بودند، آنهایی که ملتفت بودند مسائل را، دشمن‌های ما که مطالعه کرده بودند در حال ملتها و مطالعه کرده بودند در حال ملت شیعه، می‌دیدند آنها که تا این مجالس هست و تا این نوحه سرایی‌های بر مظلوم هست و تا آن افشاگری ظالم هست، نمی‌توانند

برسند به مقاصد خودشان. زمان رضاخان قدغن کردند به طوري که تمام مجالس در ايران قدغن شد، کارهاي خودشان را انجام دادند، دست اهل منبر را، دست علما را بستند و نگذاشتند که اينها تبليغات خودشان را بکنند و آنها تبليغات را از آن طرف شروع کردند و ما را به عقب راندند و تمام مخازن ما را به چپاول بردند. در زمان محمد رضا [صفحه 7] هم به همين معنا منتها با فرم ديگر، به فرم ديگر، نه با آنطور سر نيزه، به يك جور ديگر اين طايفه را مي خواستند کنار بگذارند، حالا هم همان ها، منتها جوان هاي ما را بازي مي دهند، همان مسأله است، همان مسأله زمان رضاخان است که مجالس را او قدغن کرد. حالا يك دسته اي آمده اند مي گویند که نه، ديگر روضه نخوانيد. نمي فهمند اينها که روضه يعني چه، اينها ماهيت اين عزاداري را نمي دانند چيست. نمي دانند که اين نهضت امام حسين آمده تا اينجا، تا اين نهضت را درست کرده، اين تابع، اين يك شعاعي است از آن نهضت، نمي دانند که گريه کردن بر عزاي امام حسين، زنده نگه داشتن نهضت و زنده نگه داشتن همين معنا که يك جمعيت کمي در مقابل يك امپراطوري بزرگ ايستاد. دستور است اين، دستور عمل امام حسين سلام الله عليه دستور است براي همه: «کل يوم عاشورا و کل ارض كربلا» دستور است به اينکه هر روز و در هر جا بايد همان نهضت را ادامه بدهيد، همان برنامه را. امام حسين با عده کم همه چيزش را فدای اسلام کرد، مقابل يك امپراطوري بزرگ ايستاد و «نه» گفت. هر روز بايد در

هر جا این «نه» محفوظ بماند و این مجالسی که هست، مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد. بچه ها و جوان های ما خیال نکنند که مسأله، مسأله ملت گریه است، این را دیگران القاء کردند به شماها که بگوئید ملت گریه. آنها از همین گریه ها می ترسند برای اینکه گریه ای است که گریه بر مظلوم است، فریاد مقابل ظالم است، دسته هائیکه بیرون می آیند، مقابل ظالم هستند، قیام کرده اند. اینها را باید حفظ کنید، اینها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود، اینها يك شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازیتان ندهند این قلم فرسوها، بازیتان ندهند این اشخاصی که با اسماء مختلفه و با مرام های انحرافی می خواهند همه چیز را از [صفحه 8] دستتان بگیرند و اینها می بینند که این مجالس، مجالس روضه، ذکر مصائب مظلوم و ذکر جنایات ظالم در هر عصری مقابل ظالم قرار می دهد. اینها ملتفت نیستند که اینها خدمت دارند می کنند به این کشور، خدمت دارند می کنند به اسلام، توجه ندارند جوان های ما. بازی این بزرگ ها را نخورید، اینها خیانتکارند، اینهایی که تزریق می کنند به شما، ملت گریه، ملت گریه، اینها خیانت می کنند. بزرگ هایشان و ارباب هایشان از این گریه ها می ترسند، دلیلش این است که رضاخان آمد همه اینها را برد از بین و مأمور بود. دلیلش این است که رضاخان آخرش که رفت، انگلستان در رادیوی دهلی اعلام کرد که ما این را آوردیم، حالا هم بردیم، راست هم می گفتند. آورده بودند برای سرکوب کردن اسلام و یکی از راه هایش همین بود که این مجالس را از دست شما بگیرند.

جوان هاي ما خيال نکنند که دارند يك خدمتي مي کنند مي روند توي مجلس، اگر صحبت عزا بشود، مي گویند نه، اين را نگو، غلط است اين حرف، بايد اين را بگويد، بايد اين ظلم ها را بگويد تا مردم بفهمند که چه گذشته آن وقت و بايد هر روز اين کار بشود، اين جنبه سياسي دارد، جنبه اجتماعي دارد. [2].

بيانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران

30 / 3 / 61 آن مطلبي را که راجع به آقایان خطبا عرض مي کنم اين است که عمق اين کاري را که شما داريد و عمق ارزش مجلس هاي عزاداري، کم معلوم شده است و شايد پيش بعرضي هيچ معلوم نشده است. اينکه در روايات ما براي قطره اشک براي مظلوم کربلا آنقدر [صفحه 9] ارزش قائلند حتي براي تباکي (به صورت گريه درآمدن) ارزش قائلند، نه از ياب اين است که سيد مظلومان احتياج به اينکار دارد و نه اين است که فقط براي ثواب بردن شما و مسلمين شما باشد، گرچه همه ثواب ها هست، لکن چرا اين ثواب را براي اين مجالس عزا آنقدر عظيم قرار داده شده است و چرا خداوند تبارک تعالي براي اشک و حتي يك قطره اشک و حتي تباکي، آنقدر ثواب داده است؟ کم کم اين مسأله از ديد سياسي اش معلوم مي شود و انشاءالله بعدها بيشتري معلوم مي شود. اينکه براي عزاداري، براي مجالس عزا، براي نوحه خواني، براي اينها اينهمه ثواب داده شده است، علاوه بر آن امور عباديش و روحانيش، يك مسأله مهم سياسي در کار بوده است آن روزي که اين روايات صادر شده است، روزي بوده است که اين فرقه ناجيه مبتلا بودند به حکومت اموي

و بیشتر عباسی، و یک جمعیت بسیار کمی، یک اقلیت کمی در مقابل قدرت های بزرگ. در آنوقت برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت، یک راهی درست کردند که این راه خودش سازمانده است و آن، نقل از منابع وحی، به اینکه برای این مجالس اینقدر عظمت هست و برای این اشک ها، آنقدر در حول و بر این اشک ها و عزاداری ها، شیعیان با اقیقیت آنوقت اجتماع می کردند و شاید بسیاری از آنها هم نمی دانستند مطلب چه هست، ولی مطلب، سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریت ها. و در طول تاریخ، این مجالس عزا که یک سازماندهی سرتاسری کشورها هست، کشورهای اسلامی هست و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه هست، در مقابل حکومت هائی که پیش می آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آنها، آنها را می ترساند، این مجالس عزا و این دستجات بود. در دفعه اول که مرا از قم گرفتند و بردند، در بین راه -این- [صفحه 10] بعضی از این مأمورینی که بودند در آن اتومبیل من، می گفت که ما که آمدیم سراغ شما، از این چادرهائی که در قم بود می ترسیدیم که مبدا اینها مطلع بشوند و ما نتوانیم انجام وظیفه کنیم. اینها که هیچ، قدرت های بزرگ از این چادرها می ترسند، قدرت های بزرگ از این سازمانی که بدون اینکه دست واحدی در کار باشد که آنها را مجتمع کند، خود به خود ملت را به هم جوشانده اند در سراسر یک کشور، کشور پهناور، در

ایام عاشورا و در دو ماه محرم و صفر و در ماه مبارک، این مجالس است که مردم را دور هم جمع کرده است. و اگر يك مطلبی بخواهد برای اسلام خدمتی بکند و شخصی بخواهد که مطلبی را بگوید، سر تا سر کشور به واسطه همین گویندگان و خطبا و ائمه جمعه و جماعت یکدفعه منتشر می شود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی، این بیرق حسینی، اسباب این می شود که سازمان داده شده باشد. اگر قدرت های بزرگ در منطقه های خودشان بخواهند که يك اجتماعي ایجاد کنند، با فعالیت های زیادی که شاید چند روز یا چند دهه می کنند، در يك شهري، يك عده فرض کنید صد هزار نفری، پنجاه هزار نفری با خرج های زیاد و زحمت های زیاد مجتمع می شوند و به قول آن کسی که می خواهد صحبت کند، گوش می دهند لکن شما می بینید که برای خاطر همین مجالسی که مردم را به هم پیوند داده است، این مجالس عزائی که مردم را به هم جوش داده است، به مجرد اینکه يك مطلبی پیش می آید، در يك شهر نه، در سر تا سر کشور، تمام قشرهای مردم و عزاداران حضرت سیدالشهداء مجتمع می شوند و احتیاج به اینکه زیاد زحمت کشیده بشود و تبلیغات بشود، ندارد. با يك کلمه، وقتی مردم ببینند که این کلمه از حلقوم سیدالشهداء سلام الله علیه بیروت می آید، همه با هم مجتمع می شوند. اینکه بعضی از ائمه (شاید امام باقر بوده، من الان خوب یادم نیست) می فرماید که برای من يك نفر نوحه سرا در منا [صفحه 11] بگذارید که آنجا برای من گریه

بکند و عزا بگیرد، نه این است که حضرت باقر سلام الله علیه احتیاج به این داشته است و نه اینکه برای او شخصا فایده ای، داشته است، لکن جنبه سیاسی این را ببینید، در منا آنوقتی که از همه اقطار عالم آدم می آید آنجا، یک کسی بنشینند یا اشخاصی نوحه سرانی کنند برای امام باقر و جنایت کسانی که با او مخالفت کردند و او را مثلاً به شهادت رساندند، ذکر کند و این مسأله موجی باشد در همه دنیا این مجالس عزا را دست کم گرفتند. شاید غریزه ها به ما می گویند که ملت گریه و شاید خودی ها نمی توانند تحمل کنند که یک قطره اشک مقابل چقدر ثواب است، یک مجلس عزا چقدر ثواب دارد، نتوانند هضم کنند و نتوانند هضم کنند آن چیزهایی که برای ادعیه ذکر شده است و آن ثواب هایی که برای دو سطر دعا ذکر شده است، نمی توانند این را ادراک کنند. و هضم کنند. جهت سیاسی این دعاها و این توجه به خدا و توجه همه مردم را به یک نکته، این، این است که یک ملت را بسیج می کند برای یک مقصد اسلامی. مجلس عزا نه برای این است که گریه بکنند برای سیدالشهداء و اجر ببرند، البته این هم هست. و دیگران را اجر اخروی نصیب کند، بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه اش را کشیده اند که تا آخر باشد و آن، این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده، و هیچ چیز نمی تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهداء در او تأثیر دارد تأثیر بکند.

شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزان بود و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرائی نبود، 15 خرداد پیش می آمد. هیچ قدرتی نمی توانست 15 خرداد را آنطور کند، مگر قدرت خون سیدالشهداء، و هیچ قدرتی نمیتواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرت های بزرگ برای او توطئه چیده اند، این توطئه ها را خنثی کند، الا همین مجالس عزاء. در [صفحه 12] این مجالس عزاء و سوگواری و نوحه سرائی برای سید مظلومان و اظهار مظلومیت يك کسی که برای خدا و برای رضای او جان خودش و دوستان و اولاد خودش را فدا کرده است، اینطور ساخته جوانانی را که می روند در جبهه ها و شهادت را می خواهند و افتخار به شهادت می کنند و اگر شهادت نصیب شان نشود متاثر می شوند، و آنطور مادران را می سازد که جوان های خودشان را از دست می دهند باز می گویند و باز هم یکی دو تا داریم. این مجالس عزای سیدالشهداء است و مجالس دعا و دعای کمیل و سایر ادعیه است که می سازد این جمعیت را اینطور و اساس را اسلام از اول بنا کرده است، به طوری که با همین ایده و با همین برنامه به پیش برود و اگر چنانچه واقعا بفهمند و بفهمانند که مسأله چه هست و این عزاداری برای چه هست و این گریه برای چه اینقدر ارج پیدا کرده و اجر پیش خدا دارد، آنوقت ما را ملت گریه نمی گویند، ما را ملت حماسه می خوانند اگر بفهمند آنها که حضرت سجاد سلام الله علیه که همه چیزش را در کربلا از دست داد و

در يك حكومتي بود كه قدرت بر همه چيز داشت، اين ادعیه اي كه از او باقي مانده است چه کرده است و چطور مي تواند تجهيز بکند، به ما نمي گفتند كه ادعیه براي چیست. اگر روشنفكران ما فهمیده باشند كه اين مجالس و اين دعاها و اين ذكرها و اين مجالس مصیبت جنبه سياسي و اجتماعي اش چیست، نمي گویند كه براي چه اینكار را بکنیم. تمام روشنفكرها و تمام غریزده ها و تمام قدرتمندها اگر جمع بشوند نمي توانند يك 15 خرداد را ایجاد کنند، آنچه اين قدرت را دارد اين است كه در تحت لوای او همه مجتمعند. ما كه داد مي زنیم كه ما اسلام را ميخواهیم و جمهوري اسلامي را ميخواهیم، براي اینکه در جمهوري اسلامي به نام اینکه اسلامي است و براي خداست، همه ملت مجتمع هستند و ما دیدیم كه براي خاطر همین جمهوري اسلامي [صفحه 13] بودند و براي خاطر همین كه براي خدا قيام كردند، اين جمهوري اسلامي برخوردار از چه قدرتي از ملت و از ساير كشورها هم برخوردار شده است. ملت ما قدر اين مجالس را بدانند، مجالسي كه زنده نگه مي دارد ملت ها را در ايام عاشورا زياد و زيادتر و در ساير ايام هم غير اين ايام متبركه، هفته هاست و جنبش هاي اينطوري هست. اگر بعد سياسي اينها را اينها بفهمند، همان غریزده ها هم مجلس پيا مي كنند و عزاداري مي كنند، اگر چنانچه ملت را بخواهند و كشور خودشان را بخواهند. من اميدوارم كه هر چه بيشتري و هر چه بهتر اين مجالس برپا باشد. و از خطبای بزرگ تا آن نوحه خوان در اين تأثیر دارد.

آن که ایستاده پای منبر چند شعر می گوید و چند شعر می خواند با آن که در منبر است و خطیب است، اینها هر دو در این مسأله تأثیر دارند تأثیر طبیعی دارند، گر چه خود بعضی اشخاص هم ندانند دارند چه می کنند، من حیث لا یشعر. تقریباً ما به این مرتبه رسیده ایم که ملت ما یکدفعه یک انقلابی کرد و یک انفجاری درش حاصل شد که نظیر آن در هیچ جا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود و این رژیم سابق همه چیز این را از دست داده بود و همه شرافت انسانی این کشور را از دست داده بود و همه چیز ما را وابسته کرده بود، یکدفعه یک انفجاری حاصل شد که این انفجار در برکت همین مجالسی که همه کشور را، همه مردم را دور هم جمع می کرد و همه به یک نقطه نظر می کردند. این مسأله را باید آقایان خطبا و ائمه جماعت و ائمه جمعه، درست بیشتر از آنقدری که من میدانم، برای مردم تشریح کنند، تا اینکه گمان نکنند که ما یک ملت گریه هستیم. ما یک ملتی هستیم که با همین گریه ها یک قدرت دو هزار و پانصد ساله را از بین بردیم. [3]. [صفحه 14]

بیانات امام در جمع گویندگان مذهبی و روحانیون قم و تهران و استانیهای آذربایجان شرقی و غربی

61 / 7 / 25 ملت ما از طفل ششماه تا پیر مرد هشتاد ساله را در راه خدا فدا کرد و این اقتداء به بزرگمرد تاریخ، حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه است. حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با اینکه از

اول مي دانست که در اين راه که مي رود راهي است که بايد همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و اين عزيزان اسلام را براي اسلام قرباني کند، لکن عاقبتش را هم مي دانست. اگر نبود اين نهضت، نهضت حسين عليه السلام، يزيد و اتباع يزيد اسلام را وارونه به مردم نشان مي دادند و از اول، اينها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولياء اسلام حقد و حسد داشتند. سيدالشهداء با اين فداکاري که کرد علاوه بر اينکه آنها را به شکست رساند، و اندکي که گذشت مردم متوجه شدند که چه غائله اي و چه مصيبي وارد شد و همين مصيبت موجب به هم خوردن اوضاع بني اميه شد، علاوه بر اين، در طول تاريخ آموخت به همه که راه همين است. از قلت عدد نترسيد، عدد کار پيش نمي برد، کيفيت اعداد، کيفيت جهاد اعداء مقابل اعداء آن است که کار را پيش مي برد. افراد ممکن است خيلي زياد باشند، لکن در کيفيت ناقص باشند يا پوچ. و افراد ممکن است کم باشند، لکن در کيفيت توانا باشند و سرافراز. قدرت هاي بزرگ دنيا و آنهاي که در بلوک شرق و غرب هستند، [صفحه 15] با انقلاب ما دشمن باشند، گو اينکه همه رسانه هاي گروهی دنيا بر ضد اين نهضت قلمفرسايي کنند و دروغپردازی، آنچه حقيقت است روشن خواهد بود و روشن خواهد شد و آن روزي هم که حضرت سيدالشهداء را مظلوم شهيد کردند، بعضي از اشخاصي که بودند، او را به اسم خارجي و اينکه در حکومت حق وقت، قيام کرده است، اينطور معرفي کردند. لکن نور خدا مي درخشد و خواهد

درخشید و عالم را خواهد از نور پر کرد. تکلیف ما در آستانه شهر محرم الحرام چیست؟ تکلیف علمای اعلام و خطبای معظم در این شهر چیست؟ در این شهر محرم، تکلیف سایر قشرهای ملت چي هست؟ سیدالشهداء و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را، فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت، ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین سلام الله علیه کمک کرده است، خطبه های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آنها به ما فهماندند که در مقابل جائز، در مقابل حکومت جور نباید زن ها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید حضرت زینب سلام الله علیها ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند و صحبت هائی که در بین راه کوفه و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد سلام الله علیه رفت و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیه مقابله غیرحق با حق نیست، یعنی ما را بد معرفی کرده اند، سیدالشهداء را می خواستند معرفی کنند که يك آدمي است که در مقابل حکومت وقت، خلیفه رسول الله ایستاده است. حضرت سجاد این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب هم. امروز کشور ما خم به همین نحو است. تکلیف ماها را حضرت سیدالشهداء معلوم کرده است، در میدان جنگ از قلت عدد [صفحه 16] نترسید، از شهادت نترسید. هر مقدار که عظمت داشته باشد مقصود و ایده انسان، به همان مقدار

باید تحمل زحمت بکند. ما باز درست نمی توانیم ادراک کنیم که حجم این پیروزی چقدر است. دنیا بعد خواهد ادراک کرد که این پیروزی ملت ایران چه حجمی دارد. به همان حجمی که این پیروزی دارد و این مجاهدت همان حجمی را که دارد، در ازایش مصیبت ها هم باید حجم شان زیاد باشد. ما نباید متوقع باشیم که همه قدرت ها را دستشان را از منافع شان در اینجا و انشاء الله در منطقه کوتاه کردیم، و متوقع این باشیم که هیچ صدمه ای به ما وارد نمی شود. ما نباید متوقع باشیم که با اینهمه پیروزی، ما همین طور سالم خواهیم ماند. ما همین طور روزمره، همانطوری که سابق بوده حالا هم باید باشیم. تکلیف همه روحانیون، چه خطبائی که منبر تشریف می برند، یا ائمه جمعه و جماعت و هر کس که با مردم سر و کار دارد و با آنها صحبت می کند، این است وضعیت قیام حضرت سید الشهداء را به مردم درست بفهماند که قیام برای چی بود، چه بود و با چه عده ای قیام شد و با تحمل چه مصایبی آن قیام به آخر رسید، که به آخر نخواهد رسید. این را باید همه گویندگان توجه بکنند و ما باید همه متوجه این معنا باشیم که اگر قیام حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه نبود، امروز هم ما نمی توانستیم پیروز بشویم. تمام این وحدت کلمه ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. سید مظلومان يك وسیله ای فراهم کرد برای ملت که بدون اینکه زحمت باشد برای ملت،

مردم مجتمعند. اسلام مساجد را سنگر قرار داد و وسیله شد از باب اینکه از همین مساجد، از همین جمعیت ها، از همین جماعات، از همین جمعه ها و جماعات، همه اموری که اسلام را به پیش می برد و قیام را به پیش می برد مهیا باشد و بالخصوص حضرت سیدالشهداء از کار [صفحه 17] خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه بکنند و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین يك جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد، کیفیت اینکه قیام در مقابل يك حکومت قلدري که همه جا را در دست دارد، با يك عده معدود باید چطور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهداء به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالیمقدار او هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد باید چه کرد باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قائل شد؟ یا باید همانطوری که زینب سلام الله علیها در دنباله آن مصیبت بزرگی که «تصغر عنده المصائب» ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد، مطلب را بیان کرد و حضرت علي ابن الحسين سلام الله علیه با آن حال نقاهت، آنطوری که شایسته است، تبلیغ کرد. شما آقایان روحانیون و همه روحانیونی که در کشور هستند همه مکلفند به اینکه این نعمت خدا را، این عطیه الهی را حفظ

کنند و شکر این نعمت را بر آورند و شکر به این است که تبلیغ کنند. آنچه که سیدالشهداء عمل کرد و آن ایده ای که او داشت و آن راهی که او رفت و آن پیروزی که بعد از شهادت برای او حاصل شد و برای اسلام حاصل شد، به مردم روشن کنند و بفهمانند به همه که مسأله مجاهده در راه اسلام آن است که او کرد. می دانست که با یک عده قلیل کمتر از صد نفر نمی شود مقابله با یک همچو ظالمی دارای همه چیز کرد. شما باید تبلیغ کنید، آقا محرم است، این محرم را زنده نگه دارید. ما هر چه داریم از این محرم است و این مجالس. مجالس [صفحه 18] تبلیغ ما هم از محرم است، از این قتل سیدالشهداء است و شهادت اوست. ما باید به عمق این شهادت و تأثیر این شهادت در عالم برسیم و توجه کنیم که تأثیر او امروز هم هست. اگر این مجالس وعظ و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما پیروز نمی شد. همه در تحت بیرق امام حسین سلام الله علیه قیام کردند. الان هم می بینید که در جبهه ها وقتی که نشان میدهند آنها را، همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه ها را گرم نگه می دارند. لکن در این اجتماعاتی که در محرم و صفر می شود و در سایر اوقات، مبلغین عزیز و علمای اعلام و خطبای معظم باید مسائل روز را، مسائل اجتماعی را و تکلیف مردم در یک همچو زمانی که گرفتار اینهمه دشمن ما هستیم معین کنند، به مردم و به کشور بفهمانند

که ما در بین راه هستیم و باید تا آخر راه انشاء الله برویم. ما با این ترتیبی که تاکنون بوده است و کشور ما و افراد کشور ما بحمدالله حاضر بودند، با این ترتیب اگر پیش برویم، آخر کارمان به پیروزی مطلق میرسد، لکن نباید سست بشویم. این کشور ما که قیام کرد، از اول هم که قیام کرد جمهوری اسلامی و استقلال کامل و نه شرقی و نه غربی را اعلام به دنیا کرد و از اول اعلام کرد به دنیا که ما نه تحت حمایت آمریکا و نه تحت حمایت شوروی و نه تحت حمایت هیچ قدرتی نیستیم. مائیم و تحت عنایات خدای تبارک تعالی و پرچم توحید که همان پرچم امام حسین علیه السلام است. وقتی این اعلام را شما به دنیا کردید و معلوم است پشت سر این اعلام، دنیا بر ضد شما خواهند قیام کرد. از اول باید توجه به این معنا بکنید که ما هم همانطوری که سیدالشهداء در مقابل آنهمه جمعیت و آن همه اسلحه ای که آنها داشتند قیام کرد تا شهید شد، ما هم همین طور، ما هم برای شهادت حاضریم. الان هم می بینید که در عین حالی که عده ای از بزرگان جمعه را از بین [صفحه 19] بردند، آنهایی که الان هستند، تمام با روی گشاده اعلام می کنند که ما تا مرز شهادت این پست را داریم و حاضریم. همه باید اینطور باشند [4]. [صفحه 23]

مجموعه موضوعی

محرم دیباچه سرخ شهادت

ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد، ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و

داغ باطله بر جبهه ي ستمکاران و حکومت هاي شیطاني زد، ماهي که به نسل ها در طول تاريخ، راه پيروزي بر سر نيزه را آموخت، ماهي که شکست ابر قدرتها را در مقابل کلمه ي حق به ثبت رساند، ماهي که امام مسلمين، راه مبارزه با ستمکاران تاريخ را به ما آموخت، ماهي که بايد مشت گره کرده ي آزاديخواهان و استقلال طلبان و حق گويان بر تانک ها و مسلسل ها و جنود ابليس غلبه کند و کلمه ي حق، باطل را محو نمايد [5]. [صفحه 24] محرم ماهي است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قيام کرده و به اثبات رسانده است که در طول تاريخ، هميشه حق بر باطل پيروز شده است [6]. محرم ماهي است که به وسيله سيد مجاهدان و مظلومان اسلام زنده شده و از توطئه عناصر فاسد و رژيم بني اميه اسلام را تالب پرتگاه برده بودند رهائي بخشيد. اسلام از اول پيدايش، با خون شهيدان و مجاهدان آبياري شد و به ثمر رسيد [7]. ماه محرم براي مذهب تشيع ماهي است که پيروزي در متن فداکاري و خون به دست آمده است [8]. محرم چه ماه مصيبت زا و چه ماه سازنده و کوبنده اي است. محرم ماه نهضت بزرگ سيد شهيدان و سرور اوليائي خداست که با قيام خود در مقابل طاغوت، تعليم سازندگي و کوبندگي به بشر داد و راه فناي ظالم و شکستن ستمکار را به فدائي دادن و فدائي شدن دانست و اين خود سر لوحه تعليمات اسلام است براي ملت ما تا آخر دهر. [9]. محرم و صفر

است که اسلام را نگه داشته است. [10]. باید محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام که با ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام زنده مانده است این مذهب تا حالا [11]. [صفحه 25] ماه محرم، ماهی است که مردم آماده اند برای شنیدن مطالب حق. [12]. اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی مقام سیدالشهداء علیه الصلوة و السلام است، باید حد اعلائی استفاده از آن را بنمایند و با اتکاء به قدرت الهی، ریشه های باقیمانده این درخت ستمکاری و خیانت را قطع نمایند که ماه محرم، ماه شکست قدرت های یزیدی و حيله های شیطانی است. [13]. [صفحه 29]

علل و عوامل قیام عاشورا

در صدر اسلام پس از رحلت پیغمبر ختمی پایه گذار عدالت و آزادی، می رفت که با کجروی های بنی امیه، اسلام در حلقوم ستمکاران فرو رود و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود که سیدالشهداء علیه السلام نهضت عظیم عاشورا را بر پا نمود [14]. حکومت جائزانه یزیدیان می رفت تا قلم سرخ بر چهره ی نورانی اسلام کشد و زحمات طاقت فرسای پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان صدر اسلام و خون شهداء فداکار را به طاق نسیان سپارد و به هدر دهد [15] مکتبی که می رفت با کجروی های تفاله ی جاهلیت و برنامه های حساب شده ی احیای ملی گرایی و عربیت با شعار «لا خبر جاء و لا [صفحه 30] وحی نزل» [16] پاره ای است از این بیت شعر عبدالله بن زبیر یلعبت هاشم بالملك فلا خبر جاء و لا وحی نزل (قبیله ی

بنی هاشم با سلطنت بازی کردند. پس نه خبری آمد و نه وحی ای نازل گشت). آمده است که یزید (لعنت خدا بر او باد) آنگاه که اهل بیت عصمت (ع) را در شام بر وی وارد کردند با چوب بر دندانهای سر مطهر ابا عبدالله (ع) می زد و این شعر را بر زبان می راند. *دمع السجوم فی ترجمه نفس المهموم - علامه شعرانی: ص 252. @* محو و نابود شود و از حکومت عدل اسلامی یک رژیم شاهنشاهی بسازد و اسلام و وحی را به انزوا کشاند که ناگهان شخصیت عظیمی که از عصاره وحی الهی تغذیه و در خاندان سید رسل محمد مصطفی و سید اولیاء علی مرتضی تربیت و در دامن صدیقه طاهره بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را به وجود آورد [17]. بنی امیه قصد داشتند که اسلام را از بین ببرند [18]. رژیم منحط بنی امیه می رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی و بنیانگذار اسلام را بر خلاف آنچه بوده معرفی کند، معاویه و فرزند ستمکارش به اسم خلیفه ی رسول الله با اسلام آن کرد که چنگیز با ایران، و اساس مکتب وحی را تبدیل به رژیم شیطانی نمود [19]. حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه دیدند که معاویه و پسرش - خداوند لعنتشان کند - اینها دارند مکتب را از بین میبرند، دارند وارونه اسلام را جلوه می دهند اسلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند، نیامده است قدرت برای خودش درست کند آمده است انسان درست کند. اینها، این پدر و پسر - مثل این پدر و پسر [20]

اسلام را وارونه داشتند نشان مي دادند شرب خمر مي کردند. [صفحه 31] امام جماعت هم بودند، مجالسشان مجالس لهو و لعب بود، همه چيز در آنها بود، دنبالش هم جماعت بود، امام جماعت هم مي شدند امام جماعت قمارباز، امام جمعه هم بودند و منبر هم مي رفتند و اهل منبر هم بودند، منبر هم مي رفتند. به اسم خلافت رسول الله بر ضد رسول الله قيام کرده بودند، فريادشان لا اله الا الله بود و بر ضد الوهيت قيام کرده بودند. اعمالشان رفتارشان رفتار شيطاني لکن فريادشان فرياد خليفه ي رسول الله [21]. يزید هم يك قدرتمند بود و يك سلطان بود و -عرض مي کنم که - همه بساط سلطنت را يزید داشت، بعد از معاويه او بود ديگر، حضرت سيدالشهداء به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ با ظل الله طرف شد؟ «سلطان را نبايد دست زد» به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ سلطان عصري که شهادتین را مي داد و مي گفت که من خليفه پيغمبر هستم. براي اينکه يك آدم قاچاق بود، براي اينکه يك آدمي بود که مي خواست اين ملت را استثمار کند، مي خواست بخورد اين ملت را، منافع ملت را مي خواست خودش بخورد و اتباعش بخورند [22]. سلطنت و ولايتعهدي همان طرز حکومت شوم و باطلاي است که حضرت سيدالشهداء (ع) براي جلوگیری از برقراري آن قيام فرمود و شهيد شد. براي اين که زیر بار ولايتعهدي يزید نرود و سلطنت او را به رسميت نشناسد قيام فرمود و همه مسلمانان را به قيام دعوت کرد. اينها از اسلام نيست. اسلام سلطنت و ولايتعهدي ندارد [23]. [صفحه 32] خطري که

معاویه و یزید بر اسلام داشتند این نبود که غضب خلافت کردند، این يك خطر کمتر از آن بود. خطري که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در مي خواستند بیاورند، مي خواستند معنویت را به صورت طاغوت در آورند، به اسم اینکه ما خلیفه ي رسول الله هستیم اسلام را منقلب کنند به يك رژیم طاغوتي. این مهم بود آنقدری که ایندو نفر ضرر به اسلام مي خواستند بزنند یا زدند جلوتري ها آنطور نزدند. اینها اصل اساس اسلام را وارونه مي خواستند بکنند. سلطنت بود، شرب خمر بود، قمار بود در مجالسشان. خلیفه ي رسول الله و در مجلس شرب خمر! و در مجلس قمار؟! و باز خلیفه ي رسول الله نماز هم مي رود جماعت مي خواند. این خطر از برای اسلام خطر بزرگ بود. این خطر را سیدالشهداء دفع کرد. قضیه، قضیه غضب خلافت فقط نبود، قیام سیدالشهداء سلام الله علیه قیام بر ضد سلطنت طاغوتي بود، آن سلطنت طاغوتي که اسلام را مي خواست به آن رنگ در آورد که اگر توفیق پیدا مي کردند، اسلام يك چیز دیگر مي شد، اسلام مي شد مثل رژیم دو هزار و پانصد ساله سلطنت. اسلامي که آمده بود و مي خواست رژیم سلطنتي را و امثال این رژیم ها را به هم بزند و يك سلطنت الهي در دنیا ایجاد کند. مي خواست طاغوت را بشکند و الله را جای آن بنشاند، اینها مي خواستند که الله را بردارند، طاغوت را جایش بنشانند، همان مسائل جاهلیت و همان مسائل سابق. شکست نبود کشته شدن سید الشهداء سلام الله علیه چون قیام لله بود قیام لله شکست ندارد. [24]. آنها (بنی امیه) مي خواستند اصل اسلام را ببرند

و يك مملكت عربي درست کنند و اين كار (سيدالشهدا) اسباب اين شد كه عرب و [صفحه 33] عجم و همه، همه مسلمين توجه پيدا كردند كه نه، قضيه، قضيه عربييت و فارسيت و اينها نيست، قضيه خدا و اسلام است. [25]. سيدالشهداء چون ديد اينها دارند مكتب اسلام را آلوده مي کنند با اسم خلافت اسلام، خلافتي كه مي کنند و ظلم مي کنند و اين منعكس مي شود در دنيا كه خليفه ي رسول الله است دارد اين كارها را مي كند، حضرت سيد الشهداء تكليف براي خودشان دانستند كه بروند و كشته هم بشوند و محو کنند آثار معاويه و پسرش [26]. حضرت سيدالشهداء با يك عدد كمی حرکت كردند و مقابل يزيد كه خوب يك حكومت قلدري بود، يك حكومت مقتدري بود و اظهار اسلام هم مي كرد و از قوم و خویش هاي خود اينها هم بود، در عين حالي كه اظهار اسلام مي كرد و حكومتش به خيال خودش حكومت اسلامي بوده، خليفه ي رسول الله به خيال خودش بود لکن اشكال اين بود كه يك آدم ظالمي است كه بر مقدرات يك مملكت بدون حق تسلط پيدا کرده است اينكه حضرت ابي عبدالله عليه السلام نهضت كرد و قيام كرد با عدد كم در مقابل اين، براي اينكه گفتند تكليف من اين است كه استنكار كنم، نهي از منكر كنم [27]. سيدالشهداء سلام الله عليه وقتي مي بيند كه يك حاكم ظالمي، جائي در بين مردم دارد حكومت مي كند، تصريح مي كند حضرت كه اگر كسي ببيند كه حاكم جائي در بين مردم حكومت مي كند، ظلم به مردم مي كند بايد مقابلش بایستد و

جلوگیری کند هر قدر که می تواند با چند نفر، با چندین نفر که در مقابل آن لشکر هیچ نبود [28]. [صفحه 34] ایشان در يك وقتي اين مطلب را فرموده اند که وقتي قيام کرده اند و نهضت کرده اند در مقابل يزيد، اين سلطان جائز، با يك عدد کمي در مقابل يك عده کثيري و در مقابل ابر قدرت که در آنوقت همه مواضع قدرت دستش بوده است، که عذر را از ما ساقط کند که ما بگوئيم که مثلا ما عدلمان کم بود، ما زورمان کم بود. اين را در وقتي ایشان فرموده اند که مي خواستند قيام کنند بر ضد سلطان جائز وقتشان، خطاب کردند به مردم و خطبه خواندند و علت قيام است اينکه چرا من در مقابل اين آدم قيام کردم براي اينکه اين عهد خدا را شکسته است و سنت پيغمبر را مخالفت کرده است و حرمت الله تعالي را نکث کرده است و نقض کرده است و پيغمبر فرموده است هر که ساکت بنشيند و تغيير ندهد اين را، جايش جاي همان يزيد است در جهنم، جائي که يزيد دارد، کسي که سکوت کند جايش جاي اوست [29] قال ابو مخنف عن عقبه بن أبي العيزار: ان الحسين خطب اصحابه و اصحاب الحر بالبيضة فحمدالله و أثني عليه. ثم قال: ايها الناس ان رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) قال: من رأي سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله، ناكثا لعهدالله، مخالفا لسنة رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم)، يعمل في عبادالله بالاثم و العدوان؛ فلم يغير عليه بفعل و لا قول كان حقا علي الله أن

یدخله مدخله. ابو مخنف از ابو العیزار نقل کرد که حسین (ع) در منطقه «بیضه» برای همراهان خود و حر خطبه خواند. پس خداوند را شکر گزارد و او را ستود. سپس گفت: ای مردم همانا پیامبر خدا (ص) گفت هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرامهای خدا را حلال می شمرد و پیمان خدا را می شکند و با سنت پیامبر خدا (ص) مخالفت می ورزد و با گناه و دشمنی در میان بندگان خدا حکم می راند؛ پس او را با کردار و گفتار انکار نکند، بر خدا لازم است که او را به جایی که آن سلطان را برده است ببرد. تاریخ طبری: ج 4، ص 304. حالا ما ببینیم یزید چه کرده است که حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه در مقابلش قیام کردند و همچو مطلبی را فرموده اند [صفحه 35] و برنامه داده اند. حضرت سیدالشهداء مطلبی را که فرموده اند، این مال همه است، یک مطلبی است عمومی، «من رای» هر که ببیند، هر کسی ببیند یک سلطان جائری اینطور اتصاف به این امور دارد و در مقابلش ساکت بنشیند، نه حرف بزند و نه عملی انجام بدهد، این آدم جایش جای همان سلطان جائر است. یزید یک آدمی بود که به حسب ظاهر متشبث به اسلام بود و خودش را خلیفه ی پیغمبر حساب می کرد و نماز هم می خواند، همه این کارهایی که ما ها می کنیم آن هم می کرد، اما چه می کرد؟ اما از آن طرف معصیت کار بود، مخالف سنت رسول الله می کرد. رسول الله سنتش این است که باید با مردم چه جور عمل بکنند، او خلافش عمل می کرد، باید حفظ دماء بشود،

دماء

مسلمین را می ریخت، باید مال مسلمین هدر نرود، او هدر می داد مال مسلمین را، همان شیوه ای که پدرش معاویه هم داشت و امیرالمؤمنین هم قیام کرد در مقابل او منتهی حضرت امیر لشکر هم داشت ولی سیدالشهداء عدد خیلی کمی در مقابل یک ابر قدرت بود. [30]. آن روزی که وجهه ی اسلام بخواهد درش خدشه وارد بشود، آن روز است که بزرگان اسلام جانشان را دادند برای او. در زمان معاویه و در زمان پسر خلف معاویه مسأله اینطور بود که چهره ی اسلام را اینها داشتند قبیح می کردند، به عنوان خلیفه المسلمین، به عنوان خلیفه رسول الله آن جنایات را می کردند. مجالسشان، مجالس چه بود. اینجا بود که تکلیف اقتضا می کرد برای بزرگان اسلام که مبارزه کنند و معارضه کنند و این چهره ی قبیحی که اینها دارند از اسلام نشان می دهند و اشخاص غافل ممکن است که خیال کنند که اسلام خلافتش همین است که معاویه دارد و یزید دارد، این است که خطر [صفحه 36] می اندازد اسلام را و این است که مجاهده برایش باید کرد ولو انسان به کشتن برود [31]. [صفحه 37]

اهداف قیام عاشورا

تمام انبیاء برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام. و همه ی آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هر چه بزرگ باشد، بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه، معارضه کرد این فرد باید فدا بشود سیدالشهداء روی همین میزان آمد رفت و خودش اصحاب و انصار خودش را فدا کرد، که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود. «لیقوم الناس بالقسط»

[32] باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند [33]. [صفحه 38] برای این بود شهادتش، برای این بود که اقامه بشود عدل الهی، اقامه بشود خانه ی خدا، محفوظ باشد خانه ی خدا [34]. زندگی سیدالشهداء، زندگی حضرت صاحب سلام الله علیه، زندگی همه ی انبیاء عالم، همه ی انبیاء از اول، از آدم تا حالا همه شان این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می خواستند درست کنند [35]. سیدالشهداء سلام الله علیه از همان روز اول که قیام کردند برای این امر انگیزه شان اقامه ی عدل بود فرمودند که می بینید که معروف عمل بهش نمی شود [36] انگیزه این است که معروف را اقامه و منکر را از بین ببرد، انحرافات همه از منکرات است، جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است، اینها باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهداء هستیم باید بینیم که [صفحه 39] ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامش، انگیزه اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود. من جمله قضیه ی حکومت جور، حکومت جور باید از بین برود سیدالشهداء سلام الله علیه که همه ی عمرش را و همه ی زندگیش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومت ها در دنیا ایجاد کردند، تمام عمرش را صرف این کرد و تمام زندگیش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین برود؛ معروف در کار باشد، منکرات از بین بروند [37]. سیدالشهداء سلام الله علیه تمام حیثیت خودش، جان خودش را و بچه هایش را، همه چیز

را در صورتی که می دانست قضیه این طور می شود، کسی که فرمایشات ایشان را از وقتی که از مدینه بیرون آمدند و به مکه آمدند و از مکه آمدند بیرون حرف های ایشان را می شنود همه را، می بیند که ایشان متوجه بوده است که چه دارد می کند، این جور نبود که آمده است ببیند که بلکه آمده بود حکومت هم می خواست بگیرد، اصلاً برای این معنا آمده بود و این یک فخری است و آنهایی که خیال می کنند که حضرت سیدالشهداء برای حکومت نیامده خیر؛ اینها برای حکومت آمدند، برای این که باید حکومت دست مثل سیدالشهداء باشد، مثل کسانی که شیعه ی سیدالشهداء هستند باشد. [38]. سیدالشهداء دیدند که مکتب دارد از بین می رود. قضیه قیام سیدالشهداء و قیام امیرالمومنین در مقابل معاویه، قیام انبیاء در مقابل قدرتمندان و کفار، مسأله این نیست که بخواهند یک مملکت [صفحه 40] بگیرند، همه عالم پیش آنها هیچ است. مکتب آنها این نیست که، مقصد آنها این نیست که کشور گشائی بکنند [39]. اینکه سیدالشهداء را کشاند به آنجا، مکتب بود که کشاند به آنجا،... عقیده بود که کشاند به آنجا و همه چیزش را داد در مقابل عقیده، در مقابل ایمان، و کشته شد و شکست داد، طرف را شکست داد [40]. حضرت سیدالشهداء قیام کردند بر ضد یزید و شاید همانطور هم بود که خوب، اطمینان به این بود که موفق به اینکه یزید را از سلطنت بپندازند نشوند، این اخبارش هم اینطور است که ایشان مطلع بودند بر این مطلب [41]، در عین حال برای همین معنی که بر ضد یک رژیم ظالم

قیام کنند و لو اینکه کشته بشوند، قیام کردند و کشته دادند و کشتند و خودشان هم کشته شدند [42]. آن حضرت در فکر آینده ی اسلام و مسلمین بود، بخاطر اینکه اسلام در آینده و در نتیجه ی جهاد مقدس و فداکاری او در میان انسانها نشر پیدا کند و نظام سیاسی و نظام اجتماعی آن در جامعه ما برقرار [صفحه 41] شود مخالفت نمود مبارزه کرد و فداکاری کرد. [43]. او (سید الشهداء سلام الله علیه) تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود تا به هم بخورد این اوضاع، تا رسوا نکند این قدرت را با فداکاری خودش و این عده ای که همراه خودش بود. او دید که يك حکومت جائری است که بر مقدرات مملکت او سلطه پیدا کرده است، تکلیف خودش را، تکلیف الهی خودش را تشخیص داد که باید نهضت کند و راه بیفتد برود و مخالفت بکند و اظهار مخالفت و استتکار کند هر چه خواهد شد. در عین حالی که به حسب قواعد معلوم بود که يك عدد اینقدری نمی تواند با آن عده ای که آنها دارند مقابله کند لکن تکلیف بود. [44]. لکن (برای سیدالشهداء سلام الله علیه) تکلیف بود آنجا که باید قیام بکند و خودش را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این علم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد تمام شد. خودش را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه چیزهای خودش را داد برای اسلام. [45]. امام حسین (ع) نیروی چندانی نداشت و قیام کرد. او

هم اگر نعوذ بالله تنبل مي بود مي توانست بنشينند و بگويد تکليف شرعي من نيست که قيام کنم. در بار اموي خيلي خوشحال مي شد که سيدالشهداء بنشينند و حرف نزنند و آنها بر خر مراد سوار باشند اما او مسلم بن عقييل را فرستاد تا مردم را دعوت کند به بيعت تا حکومت اسلامي تشکيل دهد و اين حکومت فاسد را از بين ببرد. اگر او هم در مدينه سر جانش مي نشست و وقتي آن مردك آمد و بيعت خواست نعوذ بالله مي گفت: بسيار خوب! خوشحال مي شدند و دستش را هم [صفحه 42] مي بوسيدند. [46]. سيدالشهداء براي اسلام خودش را به کشتن داد. [47]. سيدالشهداء سلام الله عليه [اصحاب] خودشان را، همه جوانان خودش را، همه مال و منال، هر چه بود، هر چه داشت - مال و منال که نداشت - هر چه داشت، جوان داشت اصحاب داشت، در راه خدا داد و براي تقويت اسلام، مخالفت با ظلم، قيام کرد، مخالف با امپراتوري آن روز که از امپراتوري هاي اينجا زيادتر بود [48]. سيدالشهداء، هم کشته شد، نه اينکه رفتند يك ثوابي ببرند. ثواب براي او خيلي مطرح نبود، آنطور رفت که اين مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پيشرفت بدهد، اسلام را زنده کند [49]. پيغمبر (ص) در بعضي از جنگها شکست خورد در بعضي جنگها. حضرت امير در جنگ با معاويه شکست خورد. حضرت سيدالشهداء را کشتند اما [کشته شدن] اطاعت خدا بود، براي خدا بود، تمام حيثيت براي او بود از اين جهت هيچ شکستي در کار نبود، اطاعت کرد. [50].

صفحه 43]

انتخاب آگاهانه ي شهداي کربلا

هر چه روز عاشورا سيدالشهداء سلام

الله عليه به شهادت نزدیکتر می شد افروخته تر می شد و جوانان او مسابقه می کردند برای اینکه شهید بشوند، همه هم می دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهیدند. مسابقه می کردند آنها، برای اینکه آنها می فهمیدند کجا می روند، آنها [51] می فهمیدند برای چه آمدند، آگاه بودند که ما آمدیم ادای وظیفه ی خدایی را بکنیم، آمدیم اسلام را حفظ بکنیم [52]. می بینید که در بعض روایات هست که حسین بن علی سلام الله علیه هر چه به ظهر عاشورا نزدیکتر می شد افروخته روتر می شد، رویش [صفحه 44] افروخته تر می شد [53]. برای اینکه می دید که جهاد در راه خداست و برای خداست و چون جهاد برای خداست، عزیزانی که از دست می دهد از دست نداده است، اینها ذخایری هستند برای عالم بقا. [54]. در خبر شهادت حضرت سیدالشهداء - علیه السلام - وارد است که حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - را در خواب دید. حضرت فرمود به آن مظلوم که از برای تو در جه ای است در بهشت. نمی رسی به آن مگر به شهادت [55] [56]. [صفحه 45] حضرت علی بن الحسین سلام الله علیه در آن بحبوحه کذایی که بود راجع به اینکه همه اصلا مقدر است که باید کشته بشوید، اینطور نقل می کنند اهل منبر که عرض کرد به امام علیه السلام که «اولسنا علی الحق» ما بحق نیستیم؟ فرمود چرا، گفت پس چرا بترسیم از مردن «فاذا لا نبالی بالموت» وقتی ما بحقیم. [57] [58]. سیدالشهداء در همان ظهر عاشورا که جنگ بود و آن جنگ بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند وقتی یکی از اصحاب

گفت که ظهر شده است فرمود که یاد من آوردید نماز را و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند و ایستاد در همان جا نماز خواند. نگفت که ما می خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند [59]. [صفحه 46] رضای خدا را در نظر داشته باشید و خودتان را بنده خدا بدانید که هر طور پیش بیاورد آنطور را راضی هستید، همانطوری که بندگان خالص خدا، اولیای معظم خدا اینطور بودند هر چه برای سیدالشهداء (به حسب روایت) نزدیک می شد ظهر عاشورا و جوان هایش یکی یکی از بین می رفتند صورتش افروخته تر می شد برای اینکه می دید رو به مقصد دارد می رود [60]. جوانان رزمنده و شجاع ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح پیروان شهید جاویدی هستند که تاریخ می گوید هر یک از جوانان و یاران او که به شهادت می رسیدند رخسار مبارکش افروخته تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می گردید. [61]. [صفحه 47]

نتایج و آثار قیام ابا عبدالله

اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، بعثت و زحمات جانفرسای نبی اکرم را طاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند و اگر (اگر) عاشورا نبود منطق جاهلیت ابوسفیانیان که می خواستند قلم سرخ بر وحی و کتاب بکشند و یزید یادگار عصر تاریک بت پرستی که به گمان خود با کشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی امید داشت اساس اسلام را برچیند و با صراحت و اعلام «لا خبر جاء و لا وحی نزل» [62] بنیاد حکومت الهی را بر کند، نمی دانستیم به سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه می آمد (لکن اراده خداوند متعال بر آن بوده و هست که

اسلام رهائي بخش و قرآن هدايت افروز را جاويد نگه دارد و با خون شهيداني چون فرزندان وحي احياء و پشتيباني فرمايد و از آسيب دهر نگه دارد و حسين بن علي آن عصاره نبوت و يادگار ولايت را بر انگيزد، تا جان خود و عزيزانش را فدائي عقيدت خویش و امت معظم پيامبر اکرم نمايد تا در امتداد تاريخ، خون پاك او بجوشد و دين خدا را آبياري فرمايد و از وحي و از ره آوردهاي آن پاسداري نمايد [63]. [صفحه 48] شهادت سيد مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا - سر آغاز زندگي جاويد اسلام و حيات ابدي قرآن کریم بود، آن شهادت مظلومانه و اسارت آل الله، تخت و تاج يزیديان را که با اسم اسلام، اساس وحي را به خيال خام خود مي خواستند محو کنند، براي هميشه به باد فنا سپرد و آن جريان، سفيانيان را از صحنه تاريخ به کنار زد. [64]. آن روز يزیديان با دست جنایتکاران گور خود را کردند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند، و در 15 خرداد 42 پهلويان و هواداران و سردمداران جنایتکارشان با دست ستم شاهي خود گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدي را براي خویش بجا گذاشتند که ملت عظيم الشان ايران بحمدالله تعالي با قدرت و پيروي بر گور آتشبار آنان لعنت مي فرستد [65]. اگر نبود اين نهضت، نهضت حسين عليه السلام، يزید و اتباع يزید اسلام را وارونه به مردم نشان مي دادند و از اول، اينها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولياء اسلام حقد و حسد داشتند. سيدالشهداء

با این فداکاری که کرد علاوه بر اینکه آنها را به شکست رساند اندکی که گذشت مردم متوجه شدند که چه غائله ای و چه مصیبتی وارد شد و همین مصیبت موجب به هم خوردن اوضاع بنی امیه شد. [66]. شخصیت عظیمی که از عصاره وحی الهی تغذیه و در خاندان سید رسل محمد مصطفی و سید اولیاء علی مرتضی تربیت و در دامن صدیقه طاهره بزرگ شده بود قیام کرد و با فداکاری بی نظیر و نهضت الهی خود، واقعه بزرگی را به وجود آورد که کاخ ستمکاران را فرو ریخت و مکتب اسلام را نجات بخشید [67]. [صفحه 49] سیدالشهداء علیه السلام نهضت عظیم عاشورا را بر پا نمود و با فداکاری و خون خود و عزیزان خود، اسلام و عدالت را نجات داد و دستگاه بنی امیه را محکوم و پایه های آن را فرو ریخت [68]. اگر فداکاری پاسداران عظیم الشان اسلام و شهادت جوانمردانه پاسداران و اصحاب فداکار او نبود، اسلام در خفقان رژیم بنی امیه و رژیم ظالمانه آن وارونه معرفی می شد و زحمات نبی اکرم (ص) و اصحاب فداکارش به هدر می رفت [69]. ائمه ی اطهار اکثراً یا کشته شدند یا چه شدند لکن مکتبشان محفوظ بود. سیدالشهداء کشته شد مکتبش محفوظ بود بلکه مکتب را زنده کرد، با این کشته شدن مکتب را زنده کرد [70]. چنانچه اولیاء حق هم بسیارشان مغلوب شدند لکن مکتب محفوظ ماند. سیدالشهداء سلام الله علیه با همه اصحاب و عشیره اش قتل عام شدند لکن مکتب شان را جلو بردند. شکست در مکتب نبود پیشروی بود، یعنی بنی امیه را تا ابد شکست داد، قتل سیدالشهداء، یعنی این اسلامی

که بنی امیه می خواست بد نمایش بدهد و با ادعای خلافت بر خلاف موازین انسانی عمل بکنند آن را سیدالشهداء سلام الله علیه با نثار خون خودشان آن رژیم را، رژیم فاسد را شکست داد و خود مقتول شد [71]. اولیاء خدا هم شکست می خوردند. حضرت امیر در جنگ معاویه شکست خورد، اینکه حرف ندارد، شکست خورد امام حسین سلام الله علیه هم در جنگ با یزید شکست خورد و کشته شد اما به حسب واقع پیروز شدند آنها، شکست ظاهری و پیروز واقعی بود [72]. [صفحه 50] اسلام را تا حالایی که شما می بینید، اینجا ما نشسته ایم سیدالشهداء زنده نگه داشته است. [73]. اسلام همچو عزیز است که فرزندان پیغمبر جان خودشان را فدای اسلام کردند. حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه) با آن جوان ها، با آن اصحاب برای اسلام جنگیدند و جان دادند و اسلام را احیاء کردند. [74] مبارزه حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه با دولت وقت که دولت طاغوتی بود شهادت سیدالشهداء به اسلام هیچ لطمه ای وارد نیاورد، اسلام را جلو برد. اگر نبود شهادت ایشان، معاویه و پسرش اسلام را یک جور دیگری در دنیا جلوه داده بودند به اسم خلیفه ی رسول الله، با رفتن در مسجد، اقامه ی جمعه و امام جمعه بودن، اقامه ی جماعت و امام جماعت بودن. اسم، اسم خلافت رسول الله و حکومت، حکومت اسلام لکن محتوا بر خلاف. نه حکومت، حکومت اسلامی بود به حسب محتوا و نه حاکم حاکم اسلامی. سیدالشهداء سلام الله علیه این نقشی که اینها داشتند برای برگرداندن اسلام به جاهلیت و نمایش دادن اسلام به اینکه این هم نظیر همان

چیزهای سابق است آن را باطل کرد. [75]. شهادت حضرت سیدالشهداء مکتب را زنده کرد. خودش شهید، مکتب اسلام زنده شد و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد... شهادت سیدالشهداء چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد. نفع داشت برای اسلام، اسلام را زنده کرد. [76]. [صفحه 51] اگر سیدالشهداء نبود این رژیم طاغوتی را اینها تقویت می کردند به جاهلیت بر می گرداندند. اگر حالا من و تو هم مسلم بودیم مسلم طاغوتی بودیم، نه مسلم امام حسینی، امام حسین نجات داد اسلام را. [77]. حضرت سیدالشهداء هم شکست خورد اما پیروزی نهائی را داشتند، مکتبشان شکست نخورد با کشته دادن، دشمنشان را عقب زدند، بساط معاویه را که می خواست اسلام را به صورت یک امپراطوری درآورد، برگرداند به زمان جاهلیت و آن اوضاع جاهلیت، شکستش دادند. یزید و اتباع یزید دفن شدن تا ابد، و لعن مردم بر آنهاست تا ابد، لعن خدا هم بر آنهاست و آنها خودشان محفوظ بودند [78]. سیدالشهداء سلام الله علیه مذهب را بیمه کرد. با عمل خودش اسلام را بیمه کرد [79]. «انا من حسین» که روایت شده است که پیغمبر فرموده است. [80]. [صفحه 52] این معنایش، معنا این است که حسین مال من است و من هم از او زنده می شوم، از او شده است. اینهمه برکات از شهادت ایشان است. با اینکه دشمن می خواست آثار را از بین ببرد، آنها در صدد بودند که اصلاً بنی هاشمی در کار نباشد. (لعبت هاشم بالکذا) [81] این حرف بود. آنها می خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست کنند.

[82]. وقتي که حضرت سيدالشهداء سلام الله عليه آمد مکه و از مکه در آن حال بيرون رفت، يك حرکت سياسي بزرگي بود که در يك وقتي که همه ي مردم دارند به مکه مي روند، ايشان از مکه خارج بشود. اين يك حرکت سياسي بود تمام حرکاتش، حرکات سياسي بود، اسلامي - سياسي و اين حرکت اسلامي - سياسي بود که بني اميه را از بين برد و اگر اين حرکت نبود، اسلام پايمال شده بود. [83]. امام حسين سلام الله عليه خود و تمام فرزندان و اقرباي خودش را فدا کرد و پس از شهادت او اسلام قويتر شد. [84]. سيدالشهداء (سلام الله عليه) کشته شد شکست نخورد، لکن بني اميه را همچو شکست که تا آخر نتوانستند ديگر کاري بکنند، همچو اين خون، آن شمشيرها را عقب زد که تا الان هم که ملاحظه مي کنيد باز پيروزي با سيدالشهداست و شکست با يزيد و اتباع اوست. [85]. سيدالشهداء بحق بود و با عده قليلي مقابله کرد در عين حالي که به شهادت رسيد و فرزندان او هم به شهادت رسيدند، لکن اسلام [صفحه 53] را زنده کرد و يزيد و بني اميه را رسوا کرد [86]. سيدالشهداء سلام الله عليه با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدراتشان قيام کردند. چون قيام لله بود اساس سلطنت آن خبيث را به هم شکستند در صورت، ايشان کشته شدند لکن اساس سلطنت را شکستند. اساس سلطنتي که مي خواست اسلام را به صورت سلطنت طاغوتي در آورد. [87]. کسي که براي خدا کار مي کند شکست در آن نيست ولو کشته بشويم شکست نداريم. حضرت

سیدالشهداء هم کشته شد لکن شکست خورد؟ الان بیرق او بلند است و یزیدی تو کار نیست. [88]. اگر قیام حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه نبود، امروز هم ما نمی توانستیم پیروز شویم. [89]. [صفحه 55]

قیام عاشورا اسوه آزادگان

(کل یوم عاشورا و کل ارض کربلاء) حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با اینکه از اول می دانست که در این راه که می رود راهی است که باید همه ی اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می دانست... علاوه بر این، در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است. از قلت عدد نترسید، عدد کار پیش نمی برد، کیفیت اعداد، کیفیت جهاد اعداء مقابل اعداء، آن است که کار را پیش می برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ. و افراد ممکن است کم باشند لکن در کیفیت توانا باشند و سرفراز [90]. امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جابرانه می کند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد پیا خیزید و استنکار کنید، اگر کیان اسلام را در خطر [صفحه 56] دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمائید. [91]. حضرت سیدالشهداء از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه بکنند و باید آنهایی که

در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین يك جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد، کیفیت اینکه قیام در مقابل يك حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد با يك عده معدود باید چطور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهداء به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالیمقدار او هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد باید چه کرد، باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قائل شد؟ باید همانطوری که زینب سلام الله علیها در دنباله آن مصیبت بزرگی که «تصغر عنده المصائب» [92] ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد، مطلب را بیان کرد حضرت علی بن الحسین سلام الله علیه با آن حال نقاهت، آنطوری که شایسته است تبلیغ کرد. [93]. سیدالشهداء و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را، فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت، ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین سلام الله علیه کمک کرده است، خطبه های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آنها به ما فهماندند که در مقابل جائز، در مقابل حکومت جور نباید زن ها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب [صفحه 57] سلام الله علیها ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی امیه در عمرشان همچون تحقیری نشنیده بودند [94] و صحبت هائی که در بین راه و در کوفه

و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد سلام الله علیه رفت [95] و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیه مقابله غیر حق با حق نیست. یعنی ما را بد معرفی کرده اند، سیدالشهداء را می خواستند معرفی کنند که يك آدمي است که در مقابل حکومت وقت، خلیفه ي رسول الله ایستاده است. حضرت سجاد این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب هم. تکلیف ماها را حضرت سیدالشهداء معلوم کرده است. در میدان جنگ از قلت عدد نترسید، از شهادت نترسید. هر مقدار که عظمت داشته باشد مقصود و ایده ي انسان به همان مقدار باید تحمل زحمت بکند. [96]. امام حسین با عده ي کم همه چیزش را فدای اسلام کرد، مقابل يك امپراطوري بزرگ ایستاد و «نه» گفت [97]. در حالی که شهادت حضرت سیدالشهداء از همه خسارت ها بالاتر بود ولي چون او مي دانست که چه مي کند و کجا مي رود و هدفش چیست، فداکاری کرد و شهید شد و ما هم باید روی آن فداکاری ها حساب کنیم که سیدالشهداء چه کرد و چه بساط ظلمي را به هم زد و ما هم چه کرده ایم! [98]. سیدالشهداء (سلام الله علیه) وقتی مي بیند که يك حاکم ظالمي، جائري در بين مردم دارد حکومت مي کند، تصریح مي کند حضرت که [صفحه 58] اگر کسی ببیند که حاکم جائري در بين مردم حکومت مي کند، ظلم دارد به مردم مي کند باید مقابلهش بایستد و جلوگیری کند هر قدر که مي تواند با چند نفر با چندین نفر... مگر خون ما رنگین تر از خون سیدالشهداء است ما چرا بترسیم از اینکه خون بدهیم یا اینکه

جان مي دهيم؟. آن هم در ماجرای دفع سلطان جائري که مي گفت مسلمانم مسلماني يزید هم مثل مسلماني شاه بود اگر بهتر نبود بدتر نبود لکن چون با ملت اينطور مي کرد و مردمي بود متعددي و ظالم و ملت را مي خواست زیر بار اطاعت خودش بي جهت ببرد، سيدالشهداء لازم دید که سلطان جائر را سراغش برود ولو اینکه جان بدهد [99]. دستور است اين، دستور عمل امام حسين سلام الله عليه، دستور است براي همه: «کل يوم عاشورا و کل أرض كربلا» دستور است به اینکه هر روز و در هر جا بايد همان نهضت را ادامه بدهيد، همان برنامه را، امام حسين با عده ي کم همه چيزش را فدای اسلام کرد، مقابل يك امپراطوري بزرگ ايستاد و گفت هر روز بايد در هر جا اين محفوظ بماند [100]. اين کلمه «کل يوم عاشورا و کل أرض كربلا» يك کلمه بزرگي است که اشتباهي از او مي فهمند، آنها خيال مي کنند که - يعني آنها خيال مي کنند که - يعني هر روز بايد گريه کرد لکن اين محتوايش غير از اين است كربلا چه کرد، أرض كربلا در روز عاشورا چه نقشي را بازي کرد، همه زمين ها بايد اينطور باشد، نقش كربلا اين بود که (سيدالشهداء سلام الله عليه با چند نفر جنگ کرد، عدد معدود آمدند كربلا و ايستادند در مقابل ظلم يزید و در مقابل دولت جبار، در [صفحه 59] مقابل امپراطور زمان ايستادند و فداکاري کردند و کشته شدند، و لکن ظلم را قبول نکردند و شکست دادند يزید را) همه جا بايد اينطور باشد و همه روز هم بايد اينطور باشد، همه روز

باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین ندارد، انحصار به یک افراد نمی شود، قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک زمین کربلا نبوده، همه زمین ها باید این نقش را ایفا کنند و همه روزها، غفلت نکنند ملت ها از اینکه باید همیشه مقابل ظلم بایستند [101].... ناراحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور کنید، شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصائب و فجایع صبر و استقامت کردند که آنچه ما امروز می بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته اند و در راه دین خدا یک چنان مصائبی را تحمل کرده اند. شما امروز چه می گوید؟ از چه می ترسید؟ برای چه مضطربید؟ عیب است برای کسانی که ادعای پیروی از حضرت امیر (ع) و امام حسین (ع) را دارند در برابر این نوع اعمال رسوا و فضاحت آمیز دستگاه حاکمه خود را ببازند. [102]. نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرك و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند و ملت بزرگ را چنان هشیار و متحرك و پیوسته کرد که خواب را از چشم بیگانه و بیگانه پرستان ربود و حوزه های علمیه

و دانشگاه و بازارها را به صورت دژمدافع از عدالتخواهی و از اسلام و مذهب مقدس در آورد. [103]. [صفحه 60] امروز مطلب مهم است، از مهماتی است که جان باید پایش داد. همان مهمی است که سیدالشهداء جانش را داد برایش، همان مهمی است که پیغمبر اسلام بیست و سه سال زحمت برایش کشید، همان مهمی است که حضرت امیر سلام الله علیه هیجده ماه با معاویه جنگ کرد، در صورتی که معاویه دعوی اسلام می کرد و چه و چه، جنگش چه بود؟ برای اینکه يك سلطان جائر بود، برای اینکه يك دستگاه جائر بود، باید به زمینش بزند. آنقدر از اصحاب بزرگوارش را به کشتن داد، آنقدر از اینها را هم کشت، برای چه؟ برای اینکه اقامه ی حق بکند، اقامه ی عدل بکند. [104]. ما که از سیدالشهداء بالاتر نیستیم، آن وظیفه اش را عمل کرد، کشته هم شد! [105]. خاطره ی تلخ 17 شهریور 57 و خاطره تلخ روزهای بزرگی که بر امت گذشت، میوه شیرین سرنگونی کاخ های استبداد و استکبار و جایگزینی پرچم جمهوری عدل اسلامی را به بار آورد. مگر نه آن است که دستور آموزنده «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» باید سرمشق امت اسلامی باشد. قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین عاشورا قیام عدالتخواهان با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ نشین و مستکبران غارتگر بود، و دستور آن است که این برنامه سرلوحه ی زندگی امت در هر روز و در هر سرزمین باشد، روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود و میدانها و خیابانها و کوی و برزنهائی

که خون فرزندان اسلام در آن ریخت، کربلای مکرر و این [صفحه 61] دستور آموزنده تکلیفی است و مؤذنه ای. تکلیف از آن جهت که مستضعفان اگر چه با عده ای قلیل علیه مستکبران، گر چه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند. و مؤذنه که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است، و مؤذنه که شهادت رمز پیروزی است. 17 شهریور مکرر عاشورا و میدان شهدا مکرر کربلا و شهدای ما مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون در هم کوبید کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت. اکنون وقت آن است که ما که وارثان این خون ها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم از پای ننشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم و با اراده مصمم و مشت محکم بقیای رژیم ستمکار و توطئه گران جیره خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دهن کنیم [106]. ملت عظیم الشان در سالروز شوم این فاجعه انفجار آمیزی که مصادف با 15 خرداد 42 بود با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد، اگر عاشورا گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می شد. واقعه عظیم عاشورا از 61 هجری تا خرداد 61 و از آن تا قیام عالمی بقیةالله ارواحنا لمقدمه الفداء در هر مقطع انقلاب ساز است. [107]. الان هم می بینید که در جبهه ها وقتی که نشان می دهند آنها را همه با عشق

امام حسین است که دارند جبهه ها را گرم نگه می دارند [108]. اکنون ملت ما دریافته است که «کل یوم عاشورا و کل ارض [صفحه 62 کربلا] مجالس حال و دعای اینان شب عاشوراهای اصحاب سیدالشهداء را در دل زنده می کند [109]. امام حسین علیه السلام با خون خود اسلام را زنده کرده شما به تبعیت از او انقلاب و اسلام را ضمانت نمایید [110]. ما در عین حالی که جوان های بسیار لایق خودمان را، مردان کاردان خودمان را از دست دادیم لکن آن چیزی که به دست آوردیم ارزشش بیشتر از این معانی است. آنی است که سیدالشهداء سلام الله علیه زن و فرزند خودش را فدای او کرده، آنی است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم زندگانی خودش را در راه او صرف کرد و ائمه معصومین ما در راه او آنهمه رنج دیدند [111]. [صفحه 65]

فلسفه عزاداری و روزه خوانی

بدانند آنچه دستور ائمه علیهم السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است تمام فریاد قهرمانانه ملتها است بر سردمداران ستم پیشه در طول تاریخ الی الابد. و می دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنت الله علیهم با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده اند فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است. [112] گریه کردن بر شهید، نگه داشتن، زنده نگه داشتن نهضت است. اینکه در روایت هست که کسی که گریه بکند یا بگریاند یا به صورت گریه دار خودش را بکند، این جزایش بهشت است [113]،

این برای این است که حتی آنی که با صورت گریه دار خودش را چیز می کند، صورتش را یک حال حزن به خودش می دهد و صورت گریه دار به خودش می دهد، این نهضت را دارد حفظ می کند، این نهضت امام حسین سلام الله علیه را حفظ می کند [114]. [صفحه 66] ما تا ابد هم اگر برای سیدالشهداء گریه بکنیم، برای سیدالشهداء نفعی ندارد، برای ما نفع دارد، همین نفع دنیائیش را شما حساب کنید، آخرتش سر جای خودش. همین نفع دنیائیش را حساب کنید و همین جهت روانی مطلب را که قلوب را چطور به هم متصل می کند. [115]. شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهداء، نه سیدالشهداء احتیاج به این گریه ها دارد و نه این گریه خودش فی نفسه یک کاری از آن می آید، لکن این مجلس ها مردم را همچو مجتمع می کنند و یک وجهه می دهند، سی میلیون، سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم و خصوصا دهه عاشورا یک وجهه، طرف یک راه می روند. بیخود بعضی از ائمه ما نمی فرمایند که برای من در منابر روضه بخوانند. بیخود نمی گویند ائمه ما به اینکه هر کس که بگرید، بگریاند یا صورت گریه، گریه کردن به خودش بگیرد اجرش فلان و فلان است. مسأله مسأله ی گریه نیست، مسأله مسأله ی تباهی نیست، مسأله مسأله ی سیاسی است که ائمه ی ما با همان دید الهی که داشتند، می خواستند که این ملت ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند، از راه های مختلف، اینها را یکپارچه کنند تا آسیب پذیر

نباشند [116]. اینکه بعضی از ائمه (شاید امام باقر بوده، من الان خوب یادم نیست) می فرماید که برای من يك نفر نوحه سرا را در منا بگذارید که [صفحه 67] آنجا برای من گریه بکند و عزا بگیرد [117] نه این است که حضرت باقر سلام الله علیه احتیاج به این داشته است و نه اینکه برای او شخصا فایده ای داشته است، لکن جنبه سیاسی این را ببینید، در منا آنوقتی که از همه اقطار عالم آدم می آید آنجا يك کسی بنشیند یا اشخاصی نوحه سرائی کنند برای امام باقر و جنایت کسانی که با او مخالفت کردند و او را مثلا به شهادت رساندند ذکر کند و این مسأله موجی باشد در همه دنیا این مجالس عزا را دست کم گرفتند [118]. حضرت باقر سلام الله علیه وقتی که می خواستند فوت کنند وصیت کردند که ده سال ظاهرا که در منا اجیر کنند کسی را، کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزه ای است؟ حضرت باقر احتیاج به گریه داشت؟ حضرت باقر می خواست چه کند گریه را؟ آنوقت هم در منا چرا؟ ایام حج و منا. این همین نقطه ی اساسی، سیاسی، روانی، انسانی است که ده سال در آنجا گریه کنند. خوب مردم می آیند می گویند چه خبر است چیست؟ می گویند این اینطور بود این توجه می دهد نفوس مردم را به این مکتب و ظالم را منهدم می کند و مظلوم را قوی می کند. ما جوان ها دادیم، کربلا جوان ها داده، ما این را باید حفظش کنیم. این نمی شود اینطور باشد شما خیال بکنید که گریه است، خیر گریه نیست، يك مسأله

سیاسی، روانی، اجتماعی است. اگر قضیه گریه است تباکایش دیگر [صفحه 68] چیست؟ تباک می خواهد تباک دیگری چیزی شد؟ اصلاً حضرت سیدالشهداء چه احتیاج به گریه دارد؟ ائمه اینقدر اصرار کردند به اینکه مجمع داشته باشید، گریه نکنید، چه نکنید، برای اینکه این حفظ می کند این کیان مذهب ما را [119]. عمق ارزش مجلس های عزاداری، کم معلوم شده است و شاید پیش بعضی هیچ معلوم نشده است. اینکه در روایات ما برای يك قطره اشك برای مظلوم كربلا آنقدر ارزش قائلند، حتی برای تباک (به صورت گریه در آمدن) ارزش قائلند، [120] نه از باب این است که سید مظلومان احتیاج به این کار دارد و نه این است که فقط برای ثواب بردن شما و مسلمین شما باشد. گرچه همه ثواب ها هست، لکن چرا این ثواب را برای این مجالس عزا آنقدر عظیم قرار داده شده است و چرا خداوند تبارك و تعالی برای اشك و حتی يك قطره اشك و حتی تباک، آنقدر ثواب داده است؟ کم کم این مسأله از دید سیاسی اش معلوم می شود و انشاءالله بعدها بیشتر معلوم می شود. اینکه برای عزاداری، برای مجالس عزا، برای نوحه خوانی، برای اینها اینهمه ثواب داده شده است. علاوه بر آن امور عبادی و روحانی، يك مسأله مهم سیاسی در کار بوده است. آن روزی که این روایات صادر شده است. روزی بوده است که این فرقه ناجیه مبتلا بودند به حکومت اموی و بیشتر عباسی، و يك جمعیت بسیار کمی، يك اقلیت کمی در مقابل قدرت های بزرگ. در آنوقت برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این

اقلیت، يك راهی درست کردند که این راه، خودش [صفحه 69] سازمانده است و آن، نقل از منابع وحی، به اینکه برای این مجالس اینقدر عظمت هست و برای این اشك ها آنقدر، در حول و بر این اشك ها و عزاداری ها، شیعیان با اقلیت آنوقت اجتماع می کردند و شاید بسیاری از آنها هم نمی دانستند مطلب چه هست، ولی مطلب، سازماندهی به يك گروه اقلیت در مقابل آن اکثریت ها، و در طول تاریخ، این مجالس عزا که يك سازماندهی سرتاسری کشورها هست، کشورهای اسلامی هست و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه هست، در مقابل حکومتی که پیش می آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آنها، آنها را میترساند، این مجالس عزا و این دستجات بود [121]. شاید غر بزرده ها به ما می گویند که ملت گریه و شاید خودی ها نمی توانند تحمل کنند که يك قطره اشك مقابل چقدر ثواب است. يك مجلس عزا چقدر ثواب دارد، نتوانند هضم کنند و نتوانند هضم کنند آن چیزهایی را که برای ادعیه ذکر شده است و آن ثوابهایی که برای دو سطر دعا ذکر شده است، نمی توانند این را ادراک کنند و هضم کنند. جهت سیاسی این دعاها و این توجه به خدا و توجه همه مردم را به يك نکته، این، این است که يك ملت را بسیج می کند برای يك مقصد اسلامی. مجلس عزا نه برای این است که گریه بکنند برای سیدالشهداء و اجر ببرند. البته این هم هست. و

دیگران را اجر اخروی نصیب کند، بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ی ما در صدر اسلام نقشه اش را کشیده اند که تا آخر باشد و آن، این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده، و هیچ چیز نمی تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سیدالشهداء در او تأثیر دارد، تأثیر بکند. [122]. [صفحه 70] سایر مردم، اینهایی که مسجد می آیند، منبر را گوش می کنند، مطالب را گوش می کنند، همچو که به روضه می رسند، رد می شوند و می روند. این از باب این است که ملتفت نیستند چه هست. آن روضه است که این محراب، که این منبر را حفظ کرده، اگر آن روضه نبود، این منبر هم نبود، این مطالب هم نبود، آن حفظ کرده. ما باید به شهیدمان گریه کنیم، فریاد کنیم، مردم را بیدار کنیم. البته یک مطلبی هم که بین همه ما باید باشد این است که این نکته را به مردم بفهمانیم همه اش قضیه این نیست که ما می خواهیم ثواب ببریم، قضیه این است که ما می خواهیم پیشرفت کنیم. سیدالشهداء هم که کشته شد، نه اینکه رفتند یک ثوابی ببرند. ثواب برای او خیلی مطرح نبود، آنطور رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد، اسلام را زنده کند. شما هم که دارید نوحه خوانی می کنید حرف می زنید، خطبه می خوانید، نوحه می خوانید مردم را به گریه وادار می کنید، مردم هم گریه می کنند همه روی این مقصد باشد که این اسلام را ما می خواهیم با همین هیاهو حفظش کنیم. با این هیاهو، با این گریه، با این نوحه خوانی، با این شعر خوانی،

با این نثر خوانی ما می خواهیم این مکتب را حفظ کنیم چنانچه تا حالا هم حفظ شده. باید این نکته را هم به مردم گفته بشود، تذکر داده بشود که آقا قضیه روضه خوانی قضیه این نیست که من یک چیزی بگویم و یکی هم گریه کند. قضیه این است که با گریه حفظ شده است این، با گریه این حفظ شده. حتی تباکی هم ثواب دارد، خوب تباکی چرا ثواب دارد؟ برای اینکه تباکی کمک می کند به این مکتب، کمک به مکتب می کند [123]. و اگر چنانچه واقعا بفهمند و بفهمانند که مسأله چه هست و این عزاداری برای چه هست و این گریه برای چه اینقدر ارج پیدا کرده و [صفحه 71] اجر پیش خدا دارد، آنوقت ما را ملت گریه نمی گویند، ما را ملت حماسه می خوانند. اگر بفهمند آنها که حضرت سجاد سلام الله علیه که همه چیزش را در کربلا از دست داد و در یک حکومتی بود که قدرت بر همه چیز داشت. این ادعیه ای که از او باقی مانده است چه کرده است و چطور می تواند تجهیز بکنند، به ما نمی گفتند که ادعیه برای چیست. اگر روشنفکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت جنبه سیاسی و اجتماعی اش چیست، نمی گویند که برای چه این کار را بکنیم [124]. این مطلبی که الان القاء کرده اند به جوان های ما که تا کی گریه و تا کی روضه و اینها، بیائید تظاهر کنیم، اینها نمی فهمند روضه چیست و این اساس تا حالا [چطور] نگه داشته شده است. این را نمی دانند و

نمی شود هم بهشان بفهمانند. اینها نمی فهمند که این روضه و این گریه آدم ساز است، انسان درست می کند این مجالس روضه، این مجالس عزای سیدالشهداء و آن تبلیغات بر ضد ظلم. این تبلیغ بر ضد طاغوت است. بیان ظلمی که به مظلوم شده تا آخر باید باشد. [125]. [صفحه 73]

اهمیت و نقش عزاداری در احیای اسلام و مکتب سیدالشهداء

همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه مظلومان و سرور شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام است که حافظ ملیت مسلمین بویژه شیعیان ائمه ی اثنی عشر علیهم صلوات الله و سلم می باشد. سفارش اکید ائمه ی مسلمین علیهم السلام بر اقامه ی عزای سید مظلومان تا آخر و ابد و فریاد مظلومیت آل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و ظالمیت بنی امیه علیهم لعنة الله با آن که بنی امیه منقرض شده اند، فریاد مظلوم بر سر ظالم است. و این پرخاش و فریاد باید زنده بماند و برکاتش امروز در ایران در جنگ با یزیدیان واضح و ملموس است [126]. [صفحه 74] خدای عالم چوت دید بنای دین را ماجراجویان صدر اول متزلزل کردند و جز چند نفر معدودی بجا نماند حسین بن علی را بر انگیخت و با جانفشانی و فداکاری ملت را بیدار کرد و ثوابهای بسیار برای عزاداران او مقرر کرد تا مردم را بیدار نگه دارند و نگذارند اساس کربلا که پایه اش بر بنیان کندن پایه های ظلم و جور و سوق مردم به توحید و معدلت بود کهنه شود. با این حال لازم است که برای عزاداری که شالوده اش بر این اساس ریخته شده چنین

ثوابهائي مقرر شود که مردم با هر فشار و سختي هم هست از آن دست بر ندارند و گر نه با سرعت برق زحمتهاي حسين بن علي را هم پايمال مي کردند که به پايمال کردن آن زحمتهاي پيغمبر اسلام و کوششهاي که براي تاسيس اساس تشيع کرده بود به کلي پايمال مي شد. پس فرضا که مزدهائي را که خدا مي دهد در مقابل سودي باشد که از عمل بدست مي آيد سودي که از اين عمل به دست آمده و مي آيد بقاء دين حق و اساس تشيع است که سعادت دنيا و آخرت جهانيان بسته به آن است و با نظر به وضعيت شيعه در آن زمان و فشارهاي گوناگون از مخالفان علي بن ابيطالب به پيروان او قيمت اين عمل بيش از آنست که به تصور ما در آيد و خدای جهان براي آنها ثواب ها و مزدهائي تهيه فرموده که هيچ چشمي ندیده و گوشي نشنیده و اين کمال عدالت است. [127]. اين خون سيدالشهداست که خون هاي همه ملت هاي اسلامي را به جوش مي آورد و اين دستجات عزيز عاشورا است که مردم را به هيجان مي آورد و براي اسلام و براي حفظ مقاصد اسلامي مهيا مي کند در اين امر سستي نبايد کرد [128]. حق پيروز است حق پيروز است منتها ما رمز پيروزي را بايد پيدا بکنيم که رمز پيروزي ما چه بوده است و رمز بقاي شيعه در اين طول [صفحه 75] زمان، از زمان امير المومنين سلام الله عليه تا حالا، در زمان هائي که شيعه جمعيتش کم بوده است، ناچيز بوده است. حالا الحمدلله زياد است اما آنوقت کم

بوده نه اینکه زیاد در مقابل دیگران. رمز بقای این مذهب و بقاء ممالک اسلامی، ممالک شیعی باید ببینیم چه بوده است، ما آن رمز را باید حفظش بکنیم. یکی از رمزهای بزرگی که بالاترین رمز است قضیه ی سیدالشهداست... باید این رمز را حفظ بکنیم این مجالسی که در طول تاریخ بر پا بوده است و با دستور ائمه علیهم السلام این مجالس بوده است. خیال نکنند بعضی از این جوان های ما که این مجالس، مجالسی بوده است که گریه در آن بوده است حالا ما باید گریه دیگر نکنیم. این يك اشتباهی است که می کنند. اساسی که همه چیز را تا حالا نگه داشته او بوده، پیغمبر (ص) هم فرمود که «انا من حسین» [129] یعنی دیانت را او نگه میدارد و این فداکاری، دیانت اسلام را نگه داشته است و ما باید نگهش داریم. این جوان ها توجه ندارند البته يك دسته اند و تزریق به اینها شده از اشخاصی که می خواهند نباشد. اینها از اساس می خواهند روضه را از بین ببرند که روضه خوانی است که عواطف مردم را همچو تهییج می کند که بر همه چیز حاضرند. وقتی مردم دیدند که سیدالشهداء جوان هایش آنطور قطعه قطعه کردند و آنطور جوان های خودش را داد، برای مردم آسان می شود که جوان بدهند و ما با این حس شهادت دوستی این معنی را ملت ما پیش برد و رمز همین معنایی بود که از کربلا منعکس شد به همه جهاتی که ما داشتیم، به همه ملت ما، و همه آرزوی شهادت می کردند، همان شهادتی که سیدش سیدالشهداء [صفحه 76] بود و اینها نمی فهمند که

اینجاست که نگه داشته است، آنهایی که می فهمند تزریق می کنند و دیگران را گول می زند [130]. روضه ی سیدالشهداء برای حفظ مکتب سیدالشهداست. آن کسانی که می گویند روضه سیدالشهداء را نخوانید، اصلا نمی فهمند مکتب سیدالشهداء چه بوده و نمی دانند یعنی چه، نمی دانند این گریه ها و این روضه ها حفظ کرده این مکتب را. الان هزار و چهارصد سال است که با این منبرها با این روضه ها و با این مصیبت ها و با این سینه زنی ها ما را حفظ کرده اند، تا حالا آورده اند اسلام را. این عده از جوان هایی که اینطور نیست که سوءنیت داشته باشند، خیال می کنند ما حالا باید حرف روز بزنیم. حرف سیدالشهداء حرف روز است، همیشه حرف روز است، اصلا حرف روز را سیدالشهداء آورده است دست ماها داده و سیدالشهداء را این گریه ها حفظ کرده است، مکتبش را، این مصیبت ها و داد و قال ها حفظ کرده، این سینه زنی ها و این دستجات و - عرض می کنم - اینها حفظ کرده. اگر فقط مقدسی بود و توی اطاق و توی خانه می نشست برای خودش و هی زیارت عاشورا می خواند و تسبیح می گرداند نمانده بود چیزی. هیاهو می خواهد، هر مکتبی هیاهو می خواهد، باید پایش سینه بزنند، هر مکتبی تا پایش سینه زن نباشد تا پایش گریه کن نباشد تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد، حفظ نمی شود. اینها اشتباه می کنند، بچه اند اینها، نمی دانند که این نقش روحانیت و نقش اهل منبر چه هست در اسلام، خودتان هم شاید خیلی ندانید. این نقش يك نقشی است که اسلام را همیشه زنده نگه داشته، آن گلی است که هی آب

به آن می دهند زنده نگه داشته این گریه ها زنده نگه داشته مکتب سیدالشهداء را. این ذکر مصیبت ها زنده نگه داشته مکتب [صفحه 77]
سیدالشهداء را. ما باید برای یک شهیدی که از دستمان می رود علم بپا کنیم نوحه خوانی کنیم، گریه کنیم، فریاد کنیم، دیگران می کنند
دیگران فریاد می زنند وقتی یکی از آنها کشته بشود، فرض کنید که از یک حزبی یکی کشته بشود میتینگ ها می دهند، فریادها می کنند.
این یک میتینگ و فریادی است برای احیاء مکتب سیدالشهداء و اینها ملتفت نیستند، توجه ندارند به مسائل، همین گریه ها نگه داشته این
مکتب را تا اینجا و همین نوحه سرایی ها، همین هاست که ما را زنده نگه داشته، همین هاست که این نهضت را پیش برده، اگر سیدالشهداء
نبود، این نهضت هم پیش نمی برد، سیدالشهداء همه جا هست «کل ارض کربلا» همه جا محضر سیدالشهداءست، همه منبرها محضر
سیدالشهداءست، همه محراب ها از سیدالشهداءست... امام حسین نجات داد اسلام را، ما برای یک آدمی که نجات داده اسلام را و رفته
کشته شده هی سکوت کنیم؟ ما هر روز باید گریه کنیم، ما هر روز باید منبر برویم برای حفظ این مکتب، برای حفظ این نهضت ها، این
نهضت ها مرهون امام حسین سلام الله علیه هست. از این هماهنگی تر چه؟ شما در کجا سراغ دارید که یک ملتی اینطور هماهنگ بشود؟
کی اینها را هماهنگ کرده؟ اینها را سیدالشهداء هماهنگ کرده است. در تمام کشورهای اسلامی، ملت های اسلامی در روز عاشورا و
تاسوعا و مثلاً هشتم و چندم این دستجات با آن عظمت، با آن محتوا همه جا، کی

مي تواند يك همچنين اجتماعي درست کند؟ در كجاي عالم شما سراغ داريد كه اين مردم اينطور هماهنگ باشند، برويد هندوستان همين بساط، برويد پاكستان همين بساط، برويد اندونزي همين بساط، برويد عراق [صفحه 78] همين بساط، برويد افغانستان، هر جا برويد همين بساط، كي اينها را هماهنگ کرده؟ اين هماهنگي را از دست ندهيد [131]. در اين مجالس عزا و سوگواري و نوحه سرائي براي سيد مظلومان و اظهار مظلوميت يك كسي كه براي خدا و براي رضاي او جان خودش و دوستان و اولاد خودش را فدا کرده است، اينطور ساخت جواناني را كه مي روند در جبهه ها و شهادت را مي خواهند و افتخار به شهادت مي كنند و اگر شهادت نصيب شان نشود متاثر مي شوند و آنطور مادران را مي سازد كه جوان هاي خودشان را از دست مي دهند و باز مي گویند باز هم يكي دو تا داريم. اين مجالس عزاي سيدالشهداست و مجالس دعا و دعاي كميل و ساير ادعيه است كه مي سازد اين جمعيت را اينطور و اساس را اسلام از اول بنا کرده است، به طوري كه با همين ايده و با همين برنامه به پيش برود [132]. حالا يك دسته اي آمده اند مي گویند كه نه، ديگر روضه نخوانيد. نمي فهمند اينها كه روضه يعني چه، اينها ماهيت اين عزاداري را نمي دانند چيست. نمي دانند كه اين نهضت امام حسين آمده تا اينجا، تا اين نهضت را درست کرده، اين تابع، اين يك شعاعي است از آن نهضت، نمي دانند كه گريه كردن بر عزاي امام حسين، زنده نگه داشتن نهضت و زنده نگه داشتن همين معنا كه يك جمعيت كمی در مقابل يك امپراطوري

بزرگ ایستاد. مقابل يك امپراطوري بزرگ ایستاد و «نه» گفت هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند و این مجالسي که هست، مجالسي است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد. بچه ها و جوان هاي ما خیال نکنند که مساله، مساله ي ملت گریه است، این را دیگران القاء کردند به [صفحه 79] شماها که بگوئید ملت گریه. آنها از همین گریه ها می ترسند برای اینکه گریه اي است که گریه بر مظلوم است فریاد مقابل ظالم است، دسته هائي که بیرون می آیند مقابل ظلم هستند، قیام کرده اند. [133]. در آنوقت [134] یکی از حرف ها که هي رایج بود می گفتند: ملت گریه، برای اینکه مجالس روضه را از دستشان بگیرند. اینکه همه مجالس روضه را آنوقت تعطیل کردند، آن هم به دست کسی که خودش در مجالس روضه می رفت و آن بازي ها را در می آورد. قضیه مجلس روضه بود یا از مجلس روضه آنها يك چیز دیگر می فهمیدند و آن را می خواستند از بین ببرند؟ قضیه عمامه و کلاه بود یا از عمامه يك چیز دیگری آنها می فهمیدند و روی آن میزان عمامه را با آن مخالفت می کردند؟ آنها فهمیده بودند که از این عمامه يك کاری می آید که نمی گذارد اینها آنی را که می خواهند عمل کنند و از این مجالس عزاداري يك کاری می آید که نمی گذارد اینها کارهایشان را انجام بدهند. وقتی يك ملتي در ماه محرم، سرتاسر يك مملکت، يك مطلب را می گویند این مجلس ها مردم را همچو مجتمع می کنند و يك وجهه می دهند، سي ميليون، سي و پنج ميليون جمعیت در دو ماه محرم

و خصوصاً دهه عاشورا يك وجهه، طرف يك راه مي روند، اينها را در اين ماه محرم، خطبا و علما در سرتاسر کشور مي تواند بسپچ کند براي يك مساله. اين جنبه سياسي اين مجالس بالاتر از همه جنبه هاي ديگري است که هست. و اينها مي بينند که اين مجالس، مجالس روضه، ذکر مصائب مظلوم و ذکر جنایات ظالم در هر عصري مقابل ظالم قرار مي دهد. اينها ملتفت نيستند که اينها خدمت دارند مي کنند به اين کشور، [صفحه 80] خدمت دارند مي کنند به اسلام، توجه ندارند جوان هاي ما، بازي اين بزرگ ها را نخوريد، اينها خيانتکارند، اينهايي که تزريق مي کنند به شما ملت گريه، ملت گريه، اينها خيانت مي کنند بزرگ هايشان و ارباب هايشان از اين گريه ها مي ترسند، دليلش اين است که رضاخان آمد همه اينها را برد از بين و مامور بود دليلش اين است که رضاخان آخرش که رفت، انگلستان در راديوي دهلي اعلام کرد که ما اين را آورديم، حالا هم برديم، راست هم مي گفتند. آورده بودند براي سرکوب کردن اسلام و يکي از راه هايش همين بود که اين مجالس را از دست شما بگيرند. جوان هاي ما خيال نکنند که دارند يك خدمتي مي کنند مي روند توي مجلس، اگر صحبت عزا بشود، مي گویند نه. اين را نگو، غلط است اين حرف، بايد اين را بگويد، بايد اين ظلم ها را بگويد تا مردم بفهمند که چه گذشته آن وقت و بايد هر روز اين کار بشود، اين جنبه سياسي دارد، جنبه اجتماعي دارد. [135]. در دفعه اول که مرا از قم گرفتند و بردند، در بين راه - اين -

بعضی از این مامورینی که بودند در آن اتومبیل من، می گفت که ما که آمدیم سراغ شما، از این چادرهایی [136] که در قم بود می رسیدیم که مبادا اینها مطلع بشوند و ما نتوانیم انجام وظیفه کنیم. اینها که هیچ، قدرت های بزرگ از این سازمانی که بدون اینکه دست واحدی در کار باشد که آنها را مجتمع کند، خود به خود ملت را به هم جوشانده اند در سراسر یک کشور، کشور پهناور، در ایام عاشورا و در دو ماه محرم و صفر و در ماه مبارک، این مجالس است که مردم را دور هم جمع کرده است. و اگر یک مطلبی بخواهد برای اسلام خدمتی بکند و شخصی بخواهد که مطلبی را [صفحه 81] بگوید، سرتاسر کشور به واسطه همین گویندگان و خطبا و ائمه جمعه و جماعت یکدفعه منتشر می شود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی، این بیرق حسینی، اسباب این می شود که سازمان داده شده باشد. اگر قدرت های بزرگ در منطقه های خودشان بخواهند که یک اجتماعی ایجاد کنند، با فعالیت های زیادی که شاید چند روز یا چند دهه می کنند، در یک شهری، یک عده فرض کنید صد هزار نفری، پنجاه هزار نفری با خرج های زیاد و زحمت های زیاد مجتمع می شوند و به قول آن کسی که می خواهد صحبت کند، گوش می دهند لکن شما می بینید که برای خاطر همین مجالسی که مردم را به هم پیوند داده است این مجالس عزائی که مردم را به هم جوش داده است، به مجرد اینکه یک مطلبی پیش می آید، در یک شهر نه، در

سرتاسر کشور، تمام قشرهای مردم و عزاداران حضرت سیدالشهداء مجتمع می شوند و احتیاج به اینکه زیاد زحمت کشیده بشود تبلیغات بشود، ندارد با يك کلمه، وقتی مردم ببینند که این کلمه از حلقوم سیدالشهداء سلام الله علیه بیرون می آید، همه با هم مجتمع می شوند [137]. [صفحه 83]

نقش عزاداری در حفظ ملت و کشور

عاشورا را زنده نگه دارید که با نکه داشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد برد [138]. تمام این وحدت کلمه ای که مبداء پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. سید مظلومان يك وسیله ای فراهم کرد برای ملت که بدون اینکه زحمت باشد برای ملت، مردم مجتمعند. [139]. این هماهنگی که در تمام ملت ما در قصه ی کربلا هست این بزرگترین امر سیاسی است در دنیا و بزرگترین امر روانی است در دنیا. تمام قلوب با هم متحد می شوند. اگر خوب راهش ببریم. ما برای این هماهنگی پیروز هستیم و قدر این را باید بدانیم و جوانهای ما توجه به این مسائل داشته باشند. [140]. همین مساجد و همین روضه ها و همین روضه های هفتگی همین ها، همین ها توجه مردم را و همان هماهنگی را ایجاد می کند. [صفحه 84] اگر دولت های دیگر بخواهند يك هماهنگی بین تمام قشرها پیدا کنند میسر نیست برایشان، با صدها میلیارد تومان هم برایشان میسر نیست. ما را سیدالشهداء اینطور هماهنگ کرده ما برای سیدالشهدایی که اینطور هماهنگ کرده اظهار تاسف نکنیم ما گریه نکنیم؟ همین گریه ها نگهداشته ما را. گول این شیاطینی که می خواهند این حربه را از دست شما بگیرند گول اینها

را نخورند جوان هاي ما، همين ها هست که ماها را حفظ کرده، همين ها هست که مملکت ما را حفظ کرده. حق پيروز است، حق پيروز است منتها ما رمز پيروزي را بايد پيدا کنيم که رمز پيروزي ما چه بوده است و رمز بقاي شيعه در اين طول زمان، از زمان اميرالمومنين سلام الله عليه تا حالا... يکي از رمزهاي بزرگي که بالا-ترين رمز است قضيه ي سيدالشهداء است... اگر ما بخوايم مملکتمان يک مملکت مستقلي باشد يک مملکت آزادي باشد بايد اين رمز را حفظ بکنيم. اين مجالسي که در طول تاريخ بر پا بوده است و با دستور ائمه عليهم السلام اين مجالس بوده است خيال نکنند بعضي از اين جوان هاي ما که اين مجالس، مجالسي بوده است که گريه در آن بوده است، حالا ما بايد گريه ديگر نکنيم. اين يک اشتباهي است که مي کنند [141]. تقريباً ما به اين مرتبه رسيده ايم که ملت ما يک دفعه يک انقلابي کرد و يک انفجاري درش حاصل شد که نظير آن در هيچ جا نبود. يک ملتي که همه چيزش وابسته بود و اين رژيم سابق همه چيز اين را از دست داده بود و همه شرافت انساني اين کشور را از دست داده بود و همه چيز ما را وابسته کرده بود، يک دفعه يک انفجاري حاصل شد که [صفحه 85] اين انفجار در برکت همين مجالسي که همه کشور را، همه مردم را دور هم جمع مي کرد و همه به يک نقطه نظر مي کردند. [142]. اينها اگر چنانچه ملي هستند - ما کار نداريم که آيا به خدا هم کار دارند يا نه

- اگر ملی هستند اگر کشورشان را می گویند می خواهیم اگر ملت را می گویند که ما می خواهیم، اینها باید دامن بزنند به این روضه خوانی ها برای اینکه این روضه خوانی ها این ملت شما را حفظ کرده، این روضه خوانی ها و مصیبت و گریه است که کشور شما را حفظ کرده. [143]. ملت ما قدر این مجالس را بدانند. مجالسی است که زنده نگه می دارد ملت ها را، در ایام عاشورا زیاد و زیاده تر و در سایر ایام هم غیر از این ایام متبرکه، هفته هاست و جنبش های اینطوری هست. اگر بعد سیاسی اینها را اینها بفهمند، همین غریزه ها هم مجلس بپا می کنند و عزاداری می کنند. اگر چنانچه ملت را بخواهند و کشور خودشان را بخواهند من امیدوارم که هر چه بیشتر و هر چه بهتر این مجالس بر پا باشد. [144]. ملت ما را این مجالس حفظ کرده. بیخود نبود که رضاخان، مامورین ساواک رضاخان، تمام مجالس عزارا قذغن کردند، این همین طوری نبود. رضاخان همچو نبود که [بی جهت] مخالف با این مسائل بشود. رضاخان مامور بود، مامور بود به اینکه آنهایی که کارشناس بودند آنهایی که ملتفت بودند مسائل را، دشمن های ما که مطالعه کرده بودند در حال ملت ها و مطالعه کرده بودند در حال ملت شیعه، می دیدند آنها که تا این مجالس هست و تا این [صفحه 86] نوحه سرائی های بر مظلوم هست و تا آن افشاگری ظالم هست، نمی توانند برسند به مقاصد خودشان. زمان رضاخان قذغن کردند به طوری که تمام مجالس در ایران قذغن شد. کارهای خودشان را انجام دادند، دست اهل منبر

را دست علما را بستند و نگذاشتند که اینها تبلیغات خودشان را بکنند و آنها تبلیغات را از آن طرف شروع کردند و ما را به عقب راندند و تمام مخازن ما را به چپاول بردند. در زمان محمد رضا هم به همین معنا منتها با فرم دیگر، به فرم دیگر نه با آنطور سر نیزه، به يك جور دیگر این طایفه را می خواستند کنار بگذارند، حالا هم همان ها، منتها جوان های ما را بازی می دهند همان مسأله است، همان مسأله زمان رضاخان است که مجالس را او قدغن کرد. [145]. شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرایی نبود 15 خرداد پیش می آمد. هیچ قدرتی نمی توانست 15 خرداد را آنطور کند، مگر قدرت خون سیدالشهداء و هیچ قدرتی نمی تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرت های بزرگ برای او توطئه چیده اند، این توطئه ها را خنثی کند، الا همین مجالس عزا. [146]. راهپیمایی، عزاداری را از شما نگیرد، عزاداری کنید و با عزاداری راه بروید، همه با هم مجتمع بشوید به عزاداری. وقتی کلمه ی راهپیمایی پیش می آید خیال نکنید که معنایش این است که عزاداری نمی خواهیم. ما از همین اسلام و مظاهر اسلام و شهدای اسلام می توانیم کارهایمان را انجام بدهیم و الا نه توپ ما و نه تانک ما مقابله با تانک و توپ آمریکا ندارد، شوروی ندارد. [147]. [صفحه 87]

بزرگداشت قیام عاشورا از شاعر الهی است

مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه ی سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت

و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه با شکوهتر و فشرده تر بر پا شود و بیرق های خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود. [148]. و از آن جمله، مراسم عزاداری ائمه اطهار و به ویژه سید مظلومان و سرور شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات وافر الهی و انبیاء و ملائکه الله و صلحاء بر روح بزرگ حماسی او باد هیچگاه غفلت نکنند. [149]. مجالس عزا را با همان شکوهی که بیشتر انجام می گرفت و بیشتر از او حفظ کنید. [150]. مجالس را، مجالس عزا را، دستجات را به طور کامل و شایسته [صفحه 88] انشاء الله حفظ کنیم. [151]. مجالس سوگواری ائمه اطهار علیهم السلام را باید حفظ کنید، اینها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود. اینها يك شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازیتان ندهند این قلمفرسها، بازیتان ندهند این اشخاصی که با اسماء مختلفه و با مرام های انحرافی می خواهند همه چیز را از دستتان بگیرند! [152]. مجالس سر جایی خودشان باید باشد و مجالس عزا باید باشد و اهل منبر باید این شهادت امام حسین سلام الله علیه را زنده نگه دارند و ملت باید با همه قدرت این شعائر اسلامی را، خصوصا این را زنده نگه دارند با زنده نگه داشتن او، اسلام زنده می شود. [153]. ما باید حافظ این سنت های اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر در مواقع مقتضی به راه می افتند تاکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند. فداکاری سیدالشهداء سلام الله علیه است که اسلام را برای ما زنده

نگه داشته است. زنده نگه داشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش از طرف روحانیون، از طرف خطبا با همان وضع سابق و از طرف توده های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم، دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می افتاد. باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند باید این سنت ها را حفظ کنید. [154]. تکلیف آقایان است روضه بخوانند. تکلیف مردم است دسته های شکوهمند بیرون بیاورند، دسته های سینه زن شکوهمند. البته از [صفحه 89] چیزهایی که بر خلاف مثلا چه هست از آنها پرهیز کنند اما دسته های بیرون بیایند سینه بزنند، هر کاری که می کردند بکنند. اجتماعاتشان را حفظ کنند. این اجتماعات است که ما را نگهداشته، این هماهنگی ها هست که ما را نگهداشته. گولشان می زنند این جوان های عزیز صاف دل را. می آیند توی گوشش می خوانند، خوب دیگر گریه می خواهیم چه کنیم؟ گریه می خواهیم چه کنیم یعنی چه؟ [155]. این دستجاتی که در ایام عاشورا راه می افتند خیال نکنند که ما این را تبدیل کنیم به راهپیمایی. راهپیمایی است خودش اما راهپیمایی با یک محتوای سیاسی، همانطوری که سابق بود بلکه بالاتر، همان سینه زنی، همان نوحه خوانی، همان ها، همان ها رمز پیروزی ماست. در سرتاسر کشور مجلس روضه باشد، همه روضه بخوانند و همه گریه بکنند. [156]. انشاءالله روز عاشورا که جمعیت بیرون بیاید، مراسم تعزیه حسین سلام الله علیه باید با قوت خودش باشد و در راهپیمایی ها همه اش مراسم امام حسین (ع) باشد. [157]. خداوند همه ملت ما را موفق کند که در این عاشورا به همان سنت های سابق عمل کنند، دستجات به همانطور قوت خودش

باقی باشد و دستجات سینه زنی و نوحه خوانی به همان قوت خودش باشد و بدانید که حیات این ملت به همین روضه خوانی ها، به همین اجتماعات، به همین دستجات است. [158]. [صفحه 91]

توصیه به خطبا و نوحه سرایان و عزاداران

لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق علیهم سلام الله بطور کوبنده فجایع و ستمگری های ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام بدست آمریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود این خائنین به حرم بزرگ الهی لعنت الله و ملائکته و رسله علیهم است بطور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. [159]. اهل منبر ایدهم الله تعالی کوشش کنند در اینکه مردم را سوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی - اسلامی، مسائل اجتماعی - اسلامی و روضه را دست از آن برندارید که ما با روضه زنده هستیم. [160]. گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند، روضه را همانطور که سابق می خواندند و مرثیه را همانطور که سابق می خواندند بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری. [161]. [صفحه 92] در آخر منبر روضه را بخوانند و زیاد بخوانند، دو کلمه نباشد همانطوری که در سابق عمل می شد، روضه خوانی بشود. مرثیه گفته بشود، شعر و نثر در فضائل اهل بیت و در مصائب آنها گفته بشود تا این مردم مهیا باشند، در صحنه باشند، بدانند که ائمه ما تمام عمرشان را صرف برای ترویج اسلام کردند اگر آنها يك سازش می خواستند بکنند، همه جهات مادی برایشان مهیا بود لکن خودشان

را فدای اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند. [162]. اینجا باید یک سخنی هم در خصوص عزاداری و مجالسی که بنام حسین بن علی پیا می شود بگوئیم ما و هیچ یک از دینداران نمی گوئیم که با این اسم هر کس هر کاری می کند خوبست چه بسا علماء بزرگ و دانشمندان بسیاری از این کارها را ناروا دانسته و به نوبت خود از آن جلوگیری کردند چنانچه همه می دانیم که در بیست و چند سال پیش از این عالم عامل بزرگوار مرحوم حاج شیخ عبدالکریم [163] که از بزرگترین روحانیون شیعه بود در قم شبیه خوانی را منع کرد و یکی از مجالس بسیار بزرگ را مبدل به روضه خوانی کرد و روحانیین و دانشمندان دیگر هم چیزهایی که بر خلاف دستور دین بوده منع کرده و می کنند. [164]. [صفحه 93] باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت ها را حفظ کنید. البته اگر چنانچه یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده، آنها باید یک قدری تصفیه بشود لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند. [165]. این دستجات با آن عظمت (البته جهات غیر شرعی اش باید حساب بشود باید جهات شرعی محفوظ بماند) این دستجات با آن عظمت، با آن محتوا همه جا، کی می تواند یک همچین اجتماعی درست کند. [166]. [صفحه 95]

گزیده ای از فرمایشات حضرت امام درباره ی محرم و قیام کربلا

کربلا را زنده نگه دارید و نام مبارك حضرت سیدالشهداء را زنده نگه دارید که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می شود. [167]. این خون سیدالشهداء است که خونهای همه ی

ملتهای اسلامی را به جوش می آورد. [168]. تمام این وحدت کلمه ای که مبدأ پیروزی ما شد برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. [169]. محرم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فئای ظالم و شکستن ستمکار را به فدایی دادن و فدایی شدن [صفحه 96] دانست. و این خود سرلوحه ی تعلیمات اسلام است برای ملت ما تا آخر وهله. [170]. محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ همیشه حق بر باطل پیروز شده است. [171]. مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان، که مجالس غلبه ی سپاه عقل بر جهل، و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت، و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه با شکوهتر و فشرده تر بر پا شود و بیرقهای خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود. [172]. انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. [173]. ماه محرم برای مذهب تشیع ماهی است که پیروزی در متن فداکاری و خون به دست آمده است. [174]. محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. [175]. باید محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) که با ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) زنده مانده است این مذهب تا حالا [176]. سیدالشهداء برای اسلام خودش

را به کشتن داد. [177]. [صفحه 97] حضرت سیدالشهداء را کشتند اما (کشته شدن) اطاعت خدا بود؛ برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود از این جهت شکستی در کار نبود؛ اطاعت کرد. [178]. سیدالشهداء هم شکست خورد در کربلا، اما شکست نبود این کشته شد و زنده کرد يك عالمي را. [179]. سیدالشهداء به داد اسلام رسید، سیدالشهداء اسلام را نجات داد. [180]. فداکاری سیدالشهداء (سلام الله علیه) است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است. [181]. لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنائی از ائمه حق (ع) بطور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود. [182]. گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرایی نبود، 15 خرداد پیش می آمد. [183]. شما ملاحظه کنید که بهترین خلق الله در عصر خودش، حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه) و جوانان بنی هاشم و اصحاب او شهید شدند و از این دنیا رفتند با شهادت؛ لکن وقتی که در آن مجلس پلید یزید صحبت می شود، حضرت زینب (سلام الله علیه) قسم [صفحه 98] می خورد که «ما را اینا الا جمیلا» [184] رفتن يك انسان کامل، شهادت يك انسان کامل در نظر اولیاء خدا جمیل است، نه برای اینکه جنگ کرده و کشته شده، برای این که جنگ برای خدا بوده است، قیام برای خدا بوده است. [185].

پاورقی

[1] پیش از این چهار مجموعه موضوعی دیگر تحت عنوان «انتخابات و مجلس» و «حج» در کلام و پیام امام خمینی (س) و «کلمات قصار» و «وصیتنامه موضوعی» از

- [2] صحیفه ی نور، ج 10، ص 32-30.
- [3] صحیفه ی نور، ج 16، ص 210-207.
- [4] صحیفه ی نور، ج 17، ص 62-58.
- [5] (پیام امام به ملت شجاع ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم - 57/9/1)، صحیفه نور، ج 3، ص 225.
- [6] (مصاحبه امام با رادیو لوگزامبورگ - 57/9/14)، صحیفه نور، ج 4، ص 27.
- [7] (پیام امام به ملت ایران پیرامون همه پرسي قانون اساسي - 58/9/7)، صحیفه نور، ج 10، ص 242.
- [8] (پیام امام به ملت مسلمان ایران - 57/10/6)، صحیفه نور، ج 4، ص 100.
- [9] (پیام امام به ملت ایران در رابطه با کشتار وحشیانه رژیم در ماه محرم - 56/11/2)، صحیفه نور، ج 2، ص 11.]
- [10] (بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران - 60/8/4)، صحیفه نور، ج 15، ص 204.
- [11] (بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران - 60/8/4)، صحیفه نور، ج 15، ص 203.
- [12] (مصاحبه امام با خبرنگار امریکایی - 57/9/10)، صحیفه نور، ج 4، ص 1.
- [13] (پیام امام به ملت شجاع ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم - 57/9/1)، صحیفه نور، ج 3، ص 226.
- [14] (پیام امام به ملت مسلمان ایران - 57/10/6)، صحیفه نور، ج 4، ص 100.
- [15] (پیام امام به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار - 61/3/6)،

صحیفه نور، ج 16، ص 157.

[16] (پیام امام به مناسبت روز پاسدار - 59/3/26)، صحیفه نور، ج 12، ص 181.

[17] (پیام امام به مناسبت روز پاسدار - 59/3/26)، صحیفه نور، ج 12، ص 181.

[18] (بیانات امام در دیدار با وزیر، فرماندهان و اعضای شورای عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار - 26/2/62)، صحیفه نور، ج 17، ص 255.

[19] (پیام امام به مناسبت روز پاسدار - 58/4/9)، صحیفه نور، ج 7، ص 236.

[20] رضاخان پهلوی و پسرش محمدرضا.

[21] (بیانات امام در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم - 58/4/7)، صحیفه نور، ج 7، ص 230.

[22] (بیانات امام در مورد تبلیغات اجانب علیه السلام و روحانیت - 57/8/14)، صحیفه نور، ج 3، ص 8.

[23] ولایت فقیه، ص 11.

[24] (بیانات امام در جمع اعضای هیات قائمیه تهران - 58/3/10)، صحیفه نور، ج 7، ص 37، همچنین بیانات امام در جمع خطباء گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی 61/7/25)، صحیفه نور، ج 17، ص 58.

[25] (بیانات امام در جمع وعاظ و خطبای مذهبی - 59/8/14)، صحیفه نور، ج 13، ص 158.

[26] (بیانات امام در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه - 58/4/13)، صحیفه نور، ج 8، ص 12.

[27] (از بیانات امام در مورد اهمیت و نتایج قیام لله در پاریس - 57/9/11)، صحیفه نور، ج 14،

[28] (بیانات امام در مورد عفو زندانیان سیاسی رژیم شاه - 57/8/3)، صحیفه نور، ج 2، ص 208.

[29] (بیانات امام در مورد تکلیف شرعی مسلمین در برابر سلاطین جائز از دید پیشوایان معصوم - 57/9/18)، صحیفه نور، ج 4، ص 42.

[30] (بیانات امام در مورد تکلیف شرعی مسلمین در برابر سلاطین جائز از دید پیشوایان معصوم - 57/9/18)، صحیفه نور، ج 4، ص 42.

[31] (بیانات امام در جمع روحانیون، رهنگیان و مردم کرج - 58/3/9)، صحیفه نور، ج 7، ص 31.

[32] اشاره است به آیه: لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و أنزلنا الحديد فيه بأس شدید و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغیب ان الله قوي عزیز» ما به تحقیق فرستادگان خود را با نشانه های روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو فرود آوردیم تا مردم داد را بپا دارند و آهن را فرود آوردیم که در آن قوت کارزار و سودهایی برای مردم هست تا خداوند بداند که او را و فرستادگانش را با ایمان به غیب یاری می کند. به درستی که خداوند توانا و مقتدر است. سوره حدید: آیه 25.

[33] (بیانات امام در جمع ائمه جماعات استان خراسان - 60/6/18)، صحیفه نور، ج 15، ص 148، 149.

[34] (بیانات امام در دیدار با رئیس جمهور، نخست وزیر و اعضای هیات دولت به مناسبت هفته دولت - 66/6/1)، صحیفه نور، ج 20، ص 145.

[35] (پیام امام خمینی به

[36] قال عقبه بن ابی العیزار: قام حسین (علیه السلام) بذی حسم فحمد الله و أثني عليه ثم قال: انه قد نزل من الامر ما قد ترون و ان الدنيا قد تغيرت و تنكرت و أدبر معروفها و استمرت حذاء فلم يبق منها الا صباة كصباة الاناء و خسيس عيش كالمرعي الوييل. ألا ترون أن الحق لا- يعمل به و أن الباطل لا يتناهي عنه ليرغب المؤمن في لقاء الله محققا فاني لا أري الموت الا سعادة و لا الحياة مع الظالمين الا برما. عقبه بن ابی العیزار گفت: حسین (ع) در منطقه «ذی حسم» بر پای خاست پس خدا را شکر گزارد و او را ستود. سپس گفت: چیزی پیش آمد که می بینید و به درستی که دنیا دگرگون و عوض شده است و نیکی های آن پشت کرده اند و با شتاب در حال گذر است. پس، از آن جز اندکی آب چون ته مانده ای در ظرفی، و زندگی پستی چون چراگاهی بسیار بد، بجای مانده است. آیا نمی بینید که حق بکار بسته نمی شود و از باطل بازداري نمی شود. حقا که مومن باید ملاقات با خدا را (به عوض این زندگی) بخواهد. پس به راستی که من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنجش و انزجار نمی بینم. تحف العقول، ص 249.

[37] (پیام امام خمینی به مناسبت سال نو - 30 / 12 / 66)، صحیفه نور، ج 20، ص 190.

[38] (پیام امام خمینی به مناسبت سال نو - 30 / 12 / 66)، صحیفه نور، ج 20، ص 190.

[39] (بیانات امام در

جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم - 58/4/7، صحیفه نور، ج 7، ص 230.

[40] (بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - 58/7/2)، صحیفه نور، ج 9، ص 194.

[41] در روایات فراوانی ضمن اخبار خداوند به انبیاء و نیز در فرمایشات پیامبر اکرم (ص) و ائمه ی اطهار (ع) به شهادت رسیدن امام حسین (ع) مورد اشاره واقع شده است. از جمله در نامه شخص امام حسین (ع) به بنی هاشم آمده است: بسم الله الرحمن الرحیم. من الحسین بن علی بن ابی طالب الی بنی هاشم. أما بعد فانه من لحق بی منکم استشهد و من تخلف لم يبلغ مبلغ الفتح. والسلام. بنام خداوند بخشنده مهربان. از حسین بن علی بن ابی طالب به بنی هاشم. اما بعد، پس هر کس به من ملحق شود به شهادت می رسد و هر که روی گرداند به پیروزی نخواهد رسید. والسلام. اللهوف علی قتل الطفوف، ص 69.

[42] (سخنرانی امام در مورد ضرورت قیام بر علیه ظلم بعنوان یک فریضه و عمل بی چون و چرا به تکالیف مقدس الهی - 57/8/27)، صحیفه نور، ج 3، ص 182، 183.

[43] ولایت فقیه، ص 161.

[44] (بیانات امام در مورد اهمیت و نتایج قیام لله در پاریس - 57/9/11)، صحیفه نور، ج 4، ص 15.

[45] (بیانات امام در مورد عفو زندانیان سیاسی رژیم شاه - 57/8/3)، صحیفه نور، ج 2، ص 208.

[46] (بیانات امام به مناسبت جشن های 2500 ساله - 50/3/6)، صحیفه

[47] (بیانات امام در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه - 58 / 4 / 15)، صحیفه نور، ج 8، ص 48.

[48] (بیانات امام در جمع علمای غرب تهران - 58 / 7 / 30)، صحیفه نور، ج 10، ص 30.

[49] (بیانات امام در جمع وعاظ و روحانیون تهران - 58 / 4 / 17)، صحیفه نور، ج 8، ص 71.

[50] (بیانات امام در مورد اهمیت و نتایج قیام الله در پاریس - 57 / 9 / 11)، صحیفه نور، ج 4، ص 19-20.

[51] اللهوف علی قتل الطفوف، ص 112.

[52] (بیانات امام در جمع روحانیون تهران - 60 / 4 / 10)، صحیفه نور، ج 15، ص 55.

[53] قال علی بن الحسین (ع) و لما اشد الأمر بالحسین بن علی بن ابي طالب نظر الیه من کان معه فاذا هو بخلافهم لانهم کلما اشد الامر تغیرت ألوانهم و ارتعدت فرائضهم و وجلت قلوبهم و کان الحسین (علیه السلام) و بعض من معه من خصائصه تشرق ألوانهم و تهدي جوارحهم و تسکن نفوسهم. حضرت سجاد (ع) فرمود: چون کار بر حسین بن علی بن ابي طالب دشوار شد، همراهانش به او نگرستند و ناگاه دریافتند که او بر حالی دیگر است. زیرا هر چه کار دشوارتر می شد رنگ آنان دگرگون می گشت و اندامشان می لرزید و ترس دلهاشان را فرا می گرفت. در حالی که روی حسین (علیه السلام) و برخی نزدیکانش می درخشید و اندامشان آرام می گشت و دلهاشان قرار می گرفت. بحار الانوار: ج 44، ص 297. معانی الاخبار: ص 288/باب معنی موت.

[54] (بیانات امام در جمع گروهی از کارگران سراسر کشور، معلمان و

مربیان پرورشی و اعضای ستاد برگداشت سالگرد شهادت استاد مرتضی مطهری - 4/2/62، صحیفه نور، ج 17، ص 239.

[55] ... فجاءه النبي و هو في منامه فأخذ الحسين و ضمه الي صدره و جعل يقبل بين عينيه و يقول: بأبي أنت كأني أراك مرملا بدمك بين عصابة من هذه الامة يرجون شفاعتي مالهم عندالله من خلاق. يا بني انك قادم علي أبيك و امك و أخيك و هم مشتاقون اليك و ان في الجنة درجات لا تتالها الا بالشهادة. ... پس پیامبر نزد وي آمد - و او در خواب بود - حسین را گرفت و بر سینه خود نهاد و میان دو چشم او بوسه داد و فرمود: پدرم فدای تو باد. چنان است که می بینم گروهی از این امت که به شفاعت من امید بسته اند در خونت بغلطانند. گروهی که نزد خدا بهره ای از شفاعت ندارند. فرزندم تو بر پدر و مادر و برادرت وارد گردی در حالی که آنها مشتاق اند به دیدار تو. به تحقیق تو را در بهشت درجاتی است که بدان نرسی مگر به شهادت. (امام این روایا را هنگام خروج از مدینه در کنار قبر پیامبر مشاهده فرموده بود.) بحار: ج 44، ص 313/باب 37.

[56] چهل حدیث، ص 210.

[57] تاریخ طبری: ج 4، ص 308.

[58] (بیانات امام در جمع اعضای ستاد مرکزی جهاد سازندگی و نماینده امام در این نهاد - 12/6/58)، صحیفه نور، ج 9، ص 24.

[59] ابو ثمامه صائدی چون دید اصحاب امام حسین (ع) یکی پس از دیگری به شهادت می رسند به ایشان گفت: ای ابا عبدالله، جانم بفدایت، می بینم که اینان

به شما نزدیک شده اند و به خداوند سوگند نه، کشته نخواهی شد مگر آنکه پیش از تو کشته شوم (انشاء الله). و دوست دارم در حالی پروردگارم را ببینم که این نمازی را که هنگامش رسیده است خوانده باشم. راوی می گوید: پس حسین (ع) سر بلند نمود و فرمود ذکر الصلاة جعلك الله من الصلین الذاکرین. نعم هذا اول وقتيها. ثم قال: سلوهم أن يكفوا عنا حتي نصلي. (نماز را به یاد آوردی؛ خداوند تو را از جمله نماز گزاران ذاکر قرار دهد. آری این اول وقت نماز است. سپس فرمود: از آن لشکریان بخواهید دست نگه دارند تا نماز بخوانیم.) تاریخ طبری، ج 4، ص 334.

[60] (بیانات امام در دیدار با رئیس و نمایندگان دوره های اول و دوم - مجلس شورای اسلامی - 63 / 3 / 9)، صحیفه نور، ج 19، ص 13.

[61] (پیام امام به مناسبت شهادت جمعی از فرماندهان نظامی در سانحه هوایی - 60 / 7 / 8)، صحیفه نور، ج 15، ص 171.

[62] به پاورقی ص 30 رجوع شود.

[63] (پیام امام به مناسبت روز پاسدار 60 / 3 / 16)، صحیفه نور، ج 14، ص 265.

[64] (پیام امام به مناسبت سالروز قیام پانزده خرداد - 60 / 3 / 15)، صحیفه نور، ج 14، ص 263.

[65] پیام امام به مناسبت سالروز 15 خرداد، صحیفه نور، ج 16، ص 179.

[66] (بیانات امام در جمع خطباء گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی - 61 / 7 / 25)، صحیفه نور، ج 17، ص 58.

[67] (پیام امام به مناسبت روز پاسدار - 61 / 3 / 26)

59)، صحیفه نور، ج 12، ص 181.

[68] (پیام امام به ملت مسلمان ایران - 57/ 10/ 6)، صحیفه نور، ج 4، ص 100.

[69] (پیام امام به مناسبت روز پاسدار - 58/ 4/ 9)، صحیفه نور، ج 7، ص 236.

[70] (بیانات امام در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم - 58/ 4/ 7)، صحیفه نور، ج 7، ص 230.

[71] (بیانات امام خمینی در دیدار با اعضای هیأت های بحرینی و کرد و پاسداران قائمیه - 58/ 4/ 12)، صحیفه نور، ج 7، ص 251. همچنین. بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقشار مختلف مردم - 58/ 4/ 15)، صحیفه نور، ج 8، ص 42.

[72] (بیانات امام در جمع اعضای ستاد مرکزی جهاد سازندگی و نماینده امام در این نهاد - 58/ 6/ 12)، صحیفه نور، ج 9، ص 22.

[73] (بیانات امام در جمع علمای غرب تهران - 58/ 7/ 30)، صحیفه نور، ج 10، ص 30.

[74] (بیانات امام در جمع پزشکان، کارکنان و گروهی از مجروحین بیمارستان شفا یحیائیان 24 / 3 / 58)، صحیفه نور، ج 7، ص 109.

[75] (بیانات امام در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه - 58/ 4/ 15)، صحیفه نور، ج 8، ص 44.

[76] (بیانات امام در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه 13 / 4 / 58)، صحیفه نور، ج 8، ص 12.

[77] (بیانات امام در جمع وعاظ و روحانیون تهران - 58/ 4/ 17)، صحیفه نور، ج 8، ص 70.

[78] (بیانات امام در جمع روحانیون ارومیه - 10 / 10)

[79] بیانات امام در دیدار با جمعی از روحانیون - 58 / 8 / 29، صحیفه نور، ج 10، ص 216.

[80] روی سعید بن راشد عن یعلی بن مرة قال و سمعت رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) يقول: حسين مني و أنا من حسين. أحب الله من أحب حسينا. حسين سبط من الأسباط. سعید بن راشد از یعلی بن مرة روایت کرد که گفت: از پیامبر خدا (ص) شنیدم که می فرمود: حسین از من است و من از حسین خداوند دوست بدارد هر آنکه حسین را دوست داشته است. حسین یکی از اسباط است. ارشاد-شیخ مفید: ص 233.

[81] به پاورقی ص 30 مراجعه شود.

[82] بیانات امام در جمع وعاظ و خطبای مذهبی - 59 / 8 / 14، صحیفه نور، ج 13، ص 158.

[83] بیانات امام در جمع اعضای جامعه روحانیت مبارز تهران - 62 / 7 / 13، صحیفه نور، ج 18، ص 140 و همچنین 58 / 4 / 1، صحیفه نور، ج 8، ص 42.

[84] بیانات امام در جمع اقشار مختلف به مناسبت شهادت برادران: محمدعلی رجائی و دکتر محمد جواد باهنر - 60 / 6 / 9، صحیفه نور، ج 15، ص 114.

[85] بیانات امام در جمع گروهی از معلمان کشور - 57 / 11 / 19، صحیفه نور، ج 5، ص 61.

[86] بیانات امام در جمع رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - 60 / 12 / 18، صحیفه نور، ج 16، ص 68.

[87] بیانات امام در جمع اعضای هیات قائمیه تهران - 3 / 10 /

58)، صحیفه نور، ج 7، ص 36.

[88] (بیانات امام در دیدار با پرسنل نیروی هوایی پایگاه حر و پرسنل هوایی ژاندارمری جمهوری اسلامی - 58 / 10 / 9)، صحیفه نور، ج 11، ص 150.

[89] (بیانات امام در جمع خطبا، گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی - 61 / 7 / 25)، صحیفه نور، ج 17، ص 60.

[90] (بیانات امام در جمع خطبا، گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی - 61 / 7 / 25)، صحیفه نور، ج 17، ص 58.

[91] (پیام امام به ملت شجاع ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم - 57 / 9 / 1)، صحیفه نور، ج 3، ص 25.

[92] مصیبت های دیگر در کنار آن کوچکنند.

[93] (بیانات امام در جمع خطبا، گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی - 61 / 7 / 25)، صحیفه نور، ج 17، ص 60.

[94] ر.ك. اللهوف علي قتل الطفوف - سيد بن طاوس: ص 181. همچنین با اندکی تفاوت در احتجاج - ابو منصور طبرسی؛ ج 2، ص 36 - 34.

[95] ر.ك. كامل بهايي - عمادالدين طبري: ص 300 و 301.

[96] (بیانات امام در جمع خطبا، گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی - 61 / 7 / 25)، صحیفه نور، ج 17، ص 59.

[97] (بیانات امام در جمع علمای غرب تهران - 58 / 7 / 30)، صحیفه نور، ج 11، ص 31.

[98] (بیانات امام در جمع ائمه جمعه مراکز استانهای سرسر کشور - 61 / 7 / 22)،

[99] (بیانات امام در مورد عفو زندانیان سیاسی رژیم شاه - 57/8/3)، صحیفه نور، ج 2، ص 218.]

[100] (بیانات امام در جمع علمای غرب تهران - 58/7/30)، صحیفه نور، ج 10، ص 31.

[101] (بیانات امام در جمع اعضای هیات فاطمیون تهران - 58/7/4)، صحیفه نور، ج 9، ص 202.

[102] (بیانات امام در مورد وظایف عموم مسلمین برای صیانت اسلام - فروردین 42)، صحیفه نور، ج 1، ص 38.

[103] (پیام امام به ملت ایران در رابطه با کشتار وحشیانه رژیم در ماه محرم - 56/11/2)، صحیفه نور، ج 2، ص 11.

[104] (بیانات امام در میان جمعی از روحانیون - 57/11/13)، صحیفه نور، ج 5، ص 16.

[105] (بیانات امام در دیدار با سرپرست و مسئولین کمیته های چهارده گانه انقلاب اسلامی تهران - 58/1/29)، صحیفه نور، ج 6، ص 36.

[106] (پیام امام به ملت ایران به مناسبت سالگرد 17 شهریور - 58/6/17)، صحیفه نور، ج 9، ص 57.

[107] (پیام امام خمینی به مناسبت سالروز 15 خرداد - 61/3/15)، صحیفه نور، ج 16، ص 179، همچنین بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران - 61/3/30)، صحیفه نور، ج 16، ص 219.

[108] (بیانات امام در جمع خطبا، گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی - 61/7/25)، صحیفه نور،

- [109] (پاسخ امام به پیام فرماندهان نظامی به مناسبت عملیات ظفرمند فتح المبین - 61 / 1 / 10)، صحیفه نور، ج 16، ص 99.
- [110] (بیانات امام در دیدار با وزیر، فرماندهان و اعضای شورایی عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار - 26 / 2 / 62)، صحیفه نور، ج 17، ص 255.
- [111] (بیانات امام در دیدار با وزیر صنایع سنگین و کارکنان و نمایندگان واحدهای تولیدی این وزارتخانه و گروهی از مخترعین و مبتکرین وابسته به سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی - 62 / 8 / 1)، صحیفه نور، ج 18، ص 148.
- [112] وصیت نامه سیاسی، الهی، صحیفه نور، ج 21، ص 173.
- [113] و من بکی او ابکی واحد فله الجنة و من تباکی فله الجنة، بحار، ج 44، ص 288.
- [114] (بیانات امام خمینی در جمع علمای غرب تهران - 58 / 7 / 30)، صحیفه نور، ج 10، ص 31.
- [115] (بیانات امام خمینی در دیدار با جمعی از روحانیون - 58 / 8 / 29)، صحیفه نور، ج 10، ص 218.
- [116] (بیانات امام در جمع وعاظ و خطبای مذهبی - 59 / 8 / 14)، صحیفه نور، ج 13، ص 153.
- [117] ثقة الاسلام کلینی (رضوان الله تعالی علیه) بسند حسن روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) هشتصد درهم برای تعزیه و ماتم خود وصیت فرمود. و بسند موثق از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده است که پدرم گفت: ای جعفر از مال من وقفی بکن برای ندبه کنندگان، که ده سال در منی در موسم حج بر من گریه کنند و رسم ماتم را

تجدید نمایند و بر مظلومیت من زاری کنند. جلاء العیون - محمد باقر مجلسی: ص 692 کافی، ج 5، ص 117.

[118] (بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران - 61 / 3 / 30)، صحیفه نور، ج 16، ص 218.

[119] (بیانات امام در دیدار با جمعی از روحانیون - 58 / 8 / 29)، صحیفه نور، ج 10، ص 217.

[120] عن الحسين بن علي (عليهما السلام) قال، ما من عبد قطرت عيناه فينا قطرة أو دمعت عيناه فينا دمعه إلا بوأه الله تعالى بها في الجنة حقبا. از حضرت حسین (ع) روایت شده است که فرمود: هیچ بنده ای برای ما اشکی نریزد مگر آنکه خداوند به سبب آن، او را روزگاری در بهشت فرود آورد. بحار:، ج 44، ص 279.

[121] (بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران - 61 / 3 / 30)، صحیفه نور، ج 16، ص 217.

[122] (بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران - 61 / 3 / 30)، صحیفه نور، ج 16، ص 218.

[123] (بیانات امام در جمع وعاظ و روحانیون تهران - 58 / 4 / 17)، صحیفه نور، ج 8، ص 71.

[124] (بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران - 61 / 3 / 30)، صحیفه نور، ج 16، ص 209.

[125] (بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیات فاطمیون تهران - 58 / 7 / 4)، صحیفه نور، ج 21، ص 173.

[126] (پیام امام خمینی)

به زائران بیت الله الحرام- 65/5/16)، صحیفه نور، ج 20، ص 21.

[127] (کشف الاسرار، ص 174).

[128] (بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ خطبایی مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران- 60/8/4)، صحیفه نور، ج 10، ص 216.

[129] به پاورقی ص 51 مراجعه شود.

[130] (بیانات امام در جمع وعاظ و روحانیون تهران- 58/4/17)، صحیفه نور، ج 8، ص 69.

[131] (بیانات امام در دیدار با جمعی از روحانیون- 58/8/29)، صحیفه نور، ج 10، ص 217.

[132] (بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون وعاظ قم و تهران- 61/3/30)، صحیفه نور، ج 16، ص 209.

[133] (بیانات امام در جمع علمای غرب تهران- 58/7/30)، صحیفه نور، ج 10، ص 153.

[134] در زمان سلطنت رضاخان پهلوی.

[135] (بیانات امام در جمع علمای غرب تهران- 58/7/30)، صحیفه نور، ج 10، ص 32.

[136] مقصود خیمه هایی است که برای عزاداری امام حسین علیه السلام در محرم بر پا می شود.

[137] (بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران- 61/3/30)، صحیفه نور، ج 16، ص 208.

[138] (بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبایی مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران- 60/8/4)، صحیفه نور، ج 15، ص 205.

[139] (بیانات امام در جمع خطبا، گویندگان مذهبی و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی- 61/7/25)، صحیفه نور، ج 17، ص 60.

[140] (بیانات امام در دیدار با

جمعی از روحانیون - 58 / 8 / 29، صحیفه نور، ج 10، ص 218.

[141] (بیانات امام در دیدار با جمعی از روحانیون - 58 / 8 / 29)، صحیفه نور، ج 10، ص 216.

[142] (بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران - 61 / 3 / 30)، صحیفه نور، ج 16، ص 210.

[143] (بیانات امام در جمع وعاظ و روحانیون تهران - 58 / 4 / 17)، صحیفه نور، ج 8، ص 70.

[144] (بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران - 61 / 3 / 30)، صحیفه نور، ج 16، ص 209.

[145] (بیانات امام در جمع علمای غرب تهران - 58 / 7 / 30)، صحیفه نور، ج 10، ص 31.

[146] (بیانات امام در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم و تهران - 61 / 3 / 30)، صحیفه نور، ج 16، ج 13، ص 219.

[147] (بیانات امام در جمع فارغ التحصیلان دومین دوره دانشکده افسری ارتش جمهوری اسلامی - 59 / 8 / 25)، صحیفه نور، ج 13، ص 171.

[148] (پیام امام به ملت شجاع ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم - 67 / 9 / 1)، صحیفه نور، ج 3، ص 226.

[149] (وصیت نامه سیاسی، الهی، صحیفه نور، ج 21، ص 173).

[150] (بیانات امام در جمع وعاظ و خطبای مذهبی - 59 / 8 / 14)، صحیفه نور، ج 13، ص 158.

[151] (بیانات امام در جمع خطبا، گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی - 61 / 7 / 25)، صحیفه نور، ج 17، ص 64.

[152]

(بیانات امام در جمع علمای غرب تهران- 58/7/30)، صحیفه نور، ج 10، ص 32.

[153] (بیانات امام در جمع وعاظ و خطبای مذهبی- 59/8/14)، صحیفه نور، ج 13، ص 158.

[154] (بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران- 60/8/4)، صحیفه نور، ج 15، ص 204.

[155] (بیانات امام در دیدار با جمعی از روحانیون- 58/8/29)، صحیفه نور، ج 10، ص 218.

[156] (بیانات امام در دیدار با جمعی از روحانیون- 58/8/29)، صحیفه نور، ج 10، ص 217.

[157] (بیانات امام در جمع فارغ التحصیلان دومین دوره ی دانشکده افسری ارتش جمهوری اسلامی- 59/8/25)، صحیفه نور، ج 13، ص 173.

[158] (بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران- 60/8/4)، صحیفه نور، ج 15، ص 208.

[159] (بیانات امام در دیدار با جمعی از روحانیون- 58/8/25)، صحیفه نور، ج 10، ص 217.

[160] وصیت نامه سیاسی- الهی، صحیفه نور، ج 21، ص 173.

[161] (بیانات امام در جمع وعاظ و خطبای مذهبی- 59/8/14)، صحیفه نور، ج 13، ص 158.

[162] (بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران- 60/8/4)، صحیفه نور، ج 15، ص 204.

[163] آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (1355-1276 ه.ق) از فقیه‌های بزرگ و مراجع تقلید شیعه در قرن چهارده هجری است. وی پس از تحصیلات مقدماتی به نجف و سامراء سفر کرد و

در آنجا از درس استادانی چون میرزای بزرگ شیرازی، میرزا محمد تقی شیرازی، آخوند خراسانی، سید کاظم یزدی و سید محمد اصفهانی فشارکی بهره گرفت. در سال 1332 ه.ق به اراک آمد و در سال 1340 ه.ق به قم مشرف گردید به اصرار بزرگان آن سامان و پس از استخاره در آنجا رحل اقامت افکند و حوزه علمیه ی قم را تأسیس کرد. در حوزه ی درس ایشان عالمانی بزرگ تربیت شدند که حضرت امام خمینی (س) در صدر آنان جای دارند. از آثار اوست: «درالفوائد» در اصول، «الصلوة»، «النکاح»، «الرضاع» و «المواریث» در فقه.

[164] (بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی و شهرداری تهران- 60/8/4)، صحیفه نور، ج 15، ص 205.

[165] (کشف الاسرار، ص 173).

[166] (بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران- 60/8/4)، صحیفه نور، ج 15، ص 204.

[167] (بیانات امام در جمع ائمه جمعه و جماعات استانهای خراسان، فارس، باختران و ائمه جماعات قم و تهران- 62/3/21)، صحیفه نور، ج 18، ص 22.

[168] (بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران- 60/8/4)، صحیفه نور، ج 15، ص 204.

[169] (بیانات امام در جمع خطبا، گویندگان، مذهبی علما و روحانیون قم و تهران و استانهای آذربایجان شرقی و غربی- 61/7/25)، صحیفه نور، ج 17، ص 60.

[170] (پیام امام به ملت ایران در رابطه به مناسبت فرارسیدن ماه محرم- 56/11/2)، صحیفه نور،

[171] (مصاحبه امام خميني با راديو لوکزامبورگ- 57/9/14)، صحيفه نور، ج 4، ص 27.

[172] (پيام امام به ملت شجاع ايران به مناسبت فرارسيدن ماه محرم- 57/9/1)، صحيفه نور، ج 3، ص 226.

[173] (پيام امام به مناسبت سالگرد قيام 15 خرداد- 58/3/15)، صحيفه نور، ج 18، ص 12.

[174] (پيام امام به ملت مسلمان ايران- 57/10/6)، صحيفه نور، ج 4، ص 100.

[175] (بيانات امام در جمع گویندگان، وعاظ خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران- 60/8/4)، صحيفه نور، ج 15، ص 204.

[176] (بيانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران- 60/8/4)، صحيفه نور، ج 15، ص 203.

[177] (بيانات امام در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه- 58/4/15)، صحيفه نور، ج 8، ص 48.

[178] (بيانات امام در مورد اهمیت و نتایج قيام لله در پاریس- 57/9/11)، صحيفه نور، ج 4، ص 19.

[179] (بيانات امام در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی- 59/3/4)، صحيفه نور، ج 12، ص 119.

[180] (بيانات امام در جمع وعاظ و روحانیون تهران- 58/4/17)، صحيفه نور، ج 8، ص 69.

[181] (بيانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و اعضای انجمن اسلامی شهرداری تهران- 60/8/4)، صحيفه نور، ج 15، ص 204.

[182] (وصیتنامه سیاسی- الهی امام خمینی، صحيفه نور، ج 21، ص 173).

[183] (بيانات امام خمینی در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون و وعاظ قم

و تهران- 61 / 3 / 30)، صحیفه نور، ج 16، ص 209.

[184] آنچه (در کربلا) دیدیم جز پیشامدی زیبا نبود.

[185] بیانات امام در دیدار با گروهی از مسئولان کشور، اقشار ملت و میهمانان خارجی دهه ی فجر به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - 65 / 11 / 21، صحیفه نور، ص 64.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

